

آواز

ملی

شماره چهارم سال ۱۳۹۱

نشریه رادیو تلویزیون ملی افغانستان





ملاقات هیات رهبری رادیو تلویزیون ملی افغانستان با هیات موسسه جایکا کشور جاپان



قرارداد همکاری تشبثات فرهنگی میان محترم جلال محمودی معاون ریاست عمومی رادیو تلویزیون ملی افغانستان و رییس مرکز فرهنگی بریتانیا در کابل به امضا رسید.



اهدای تحسین نامه از جانب اداره عالی مبارزه علیه فساد اداری به تعدادی از مسولین و کارمندان برنامه شفافیت تولید برنامه ها رادیو تلویزیون ملی افغانستان.

به نام خداوند توانا



ملک

رادیو تلویزیون ملی افغانستان

شماره چهارم آواز سال ۱۳۹۱

دربرگ های این شماره

- ✓ سرلیک
- ✓ نقش تلویزیون به حیث ...
- ✓ معرفی اداره روزنه رادیو
- ✓ سینما او ادبیات
- ✓ رحمان بابا
- ✓ شعر او تصویر
- ✓ درست نویسی
- ✓ دهبواد تکره او تجربه لرونکی...
- ✓ ژورنالیزم چیست؟
- ✓ د پښتونخوا پښتو ادب کی...
- ✓ به سوی دیجیتال...
- ✓ سلماجهانی سره مرکه
- ✓ شناسایی کارمندان
- ✓ د عرفان په هکله خبری...
- ✓ موسیقی هزاره گی
- ✓ شکیب سوزان
- ✓ داستان های کوتاه
- ✓ البوم هنری
- ✓ صفحه شعر
- ✓ پلان نشراتی رادیو تلویزیون

صاحب امتیاز: رادیو تلویزیون ملی افغانستان

مدیر مسول: لمیه احمدزی

کمپوز و دیزاین: فاطمه هاشمی

آدرس: سرک ۱۳ وزیرمحمد اکسیر خان،

ریاست عمومی رادیو تلویزیون ملی افغانستان

تلفون: ۰۲۰۳۳۱۰۷۳۵

ایمیل آدرس: awazrta@yahoo.com

تیراژ: (۷۰۰)

شرح پوشتی: عبدالقنی مدقق گوینده مستعد رادیو تلویزیون ملی

آواز در ویرایش و کوتاه کردن نوشته ها آزاد است

چاپ مطبعه آزادی



د فرهنگي شخصيتونو درنښت

دهرهېواد فرهنگي شخصيتونه دهغه هېواد ستره اونه هېرېدونکي شتمني کڼل کېږي . له نيکه مرغه زموږ دهېواد د تاريخ په پېړيوکې وخت په وخت ستر فرهنگي شخصيتونوز پريدلي، روزل شوي او دهېواد په فرهنگي ژوند او د فرهنگ په بډاينه کې يې ستره ونډه اخيستي ده او دهېواد دمعنوي شتمني خزانې يې تردې دمه پوري دکې ساتلي دي چې زموږ دويار شمله پرې هسکه ښکاري . ددې لپاره چې زموږ دکرانو فرهنگي شخصيتونو لمانځنه او قدرداني داوسنيو نسلونو لپاره يولوی درس شي اوخپل فرهنگي شخصيتونه اودهغوی کړني اولاسته راوړني د تل لپاره روښانه وساتل شي، دملي راډيو تلويزيون درانه مشر محمد زرین انځور وپتيله چې د تا کلي پروگرام له مخې دهېواد د فرهنگي او ادبي شخصيتونو د درنښت غونډی د ملي راډيو تلويزيون له لارې جوړی اودرنهېواد والوته يې په پرله پسې توگه وړاندې کړي . چې په دغه لړکې تر اوسه پوري دهېواد دپېژندل شويو شاعرانو او ليکوالو د درنښت غونډی دملي راډيو تلويزيون له لارې ټولو هېواد والو وليدلی . موږ په داسی حال کې چې دملي راډيو تلويزيون دمشر تابه دغه رنکه هلی ځلی د دېر قدر وړ گڼو، خو په عين حال کې ددې غوښتنه کوو، چې دهېواد، دنوم ورکو فرهنگي شخصيتونولته هم په کلکه وکړی اودهغوی د درناوی غونډي هم جوړې کړی چې په دغه ډول ملي راډيو تلويزيون مشرتوب دخپلو ټولو فرهنگيانو په وړاندی د مختلفو پروگرامونو په سرته رسولو سره د خپلی فرهنگي پالیسی په رڼا کې په ښه توگه خپله ملي ونډه تر سره کړي .



شمس راز

تلویزیون به حیث وسیله آموزشی و تربیوی در تکوین شخصی کودکان و نوجوانان



طی دهه ۱۹۹۰ در جهان نظم نوین سیاسی و اقتصادی رونما گردید که توأم با آن یک نظم نوین رسانه‌یی نیز پدیدار شد. که «جهانی شدن» بارزترین ویژگی این دهه بوده است. که به اساس آن رسانه‌های ارتباط جمعی دستخوش تحولات عمیق گردید.

پیشرفت‌های فن‌شناسی و حذف نظارت‌های دولتی در بخش مخابرات و ارتباطات از جمله عواملی هستند که به جهانی شدن رسانه‌های جمعی کمک میکنند. و موانع جریان آزاد اطلاعات روز به روز کمتر شده میرود که در پرتو این نظم نوین، برقراری ارتباط صوتی و تصویری با مردم بدورترین نقاط جهان امکان پذیر است.

با در نظر داشت این امر محصولات فرهنگی چند شرکت بزرگ رسانه‌یی که بیشتر در ایالات متحده امریکا، اروپا، و جاپان مستقر اند روز به روز به مخاطبان بیشتری در اکثر جهان دسترسی پیدا کرده است.

بنا بر محتویات تولیدی رسانه‌یی آنها سوال‌های مهمی را در راستای تأثیرات منفی که بر هویت فرهنگی جوامع دیگر در نقاط مختلف جهان به جا می‌گذارند مورد سوال قرار میدهد.

روبه انکشاف و کشور های ثروتمند جهان می‌باشیم. در عصریکه مازنده گلی می‌کنیم آنگده از تحولات عمیق و سریع اجتماعی در سطوح محلی، ملی و بین‌المللی می‌باشد. مشکلات و معضلات یکسان از قبیل بیکاری افزایش قیمت‌ها، فقر، آلودگی محیط زیست، تراکم نفوس در شهر های بزرگ درگیری های قومی، نابرابری زن، مرد و بالاخره عدم دسترسی سریع به منابع اطلاعات و وضعیت نگران کننده ای را تقریباً در کلیه کشورهای جهان پدید آورده است.

شکی نیست که تمام این عوامل بر نحوی زنده گلی و آینده افراد یک کشور به ویژه کودکان، نوجوانان و جوانان تأثیر میکند زیرا انسان ساخته و پرداخته شرایط محیط خویش می‌باشد.

تلویزیون به حیث یکی از وسایل مهم اطلاعات جمعی رسالت و نقش عمده ای را در تعلیم و تربیت افراد یک جامعه به ویژه در امر تعلیم و تربیه کودکان، نوجوانان و جوانان یک کشور با پیشکش نمودن برنامه های آموزشی و تربیوی رول مهم داشته و دارد.

چه کودکان، نوجوانان و جوانان بخش بزرگ از جمعیت اکثر کشور های جهان را تشکیل میدهند و آینده کشور ها مرهون زحمات علمی، تخصصی و آموزشی آنان می‌باشد. ما شاهد از دیداد روز افزون این قشر در کشورهای



چنین برنامه ها و به ویژه صحنه های خشونت آمیز تلویزیون سه تأثیر عمده را بر روان و کرکتر کودکان و نوجوانان به جا میگذارد که آنها عبارتند از :-

- ۱- فراگیری رفتار و طبع خشونت آمیز.
 - ۲- ترس از اینکه فرد قربانی خشونت گردد.
 - ۳- حساسیت زدایی نسبت به خشونت.
- بنابراین بردست اندر کاران



تلویزیون و مقامات مسوول دولتی است که ازین وسیله در تربیت و آموزش سالم افراد جامعه شان استفاده نمایند و از نمایش صحنه های خشن و نامطلوب و غیر اخلاقی جدا" جلوگیری نمایند و برنامه های کودکان و نوجوانان از لحاظ نوع ادبی و نمایشی باید متنوع و مطابق به فرهنگ و کلتور شان باشد، تاکودکان، نوجوانان و جوانان که آینده سازان فردای کشور شان هستند از نگاه روانی، اخلاقی و فرهنگی سالم، وطندوست، مومن، مسلمان و به منافع علیای کشور های شان نافع بار آیند و تلویزیون در این راستا نقش انسانی اش را ایفا کرده بتواند.

دولتی و رسانه ها برای محدود کردن چنین برنامه گفتگو جریان دارد تا از محدود کردن و یا قطع کردن نمایش چنین برنامه ها اتفاق نظر حاصل شود. که به اساس آن پیمان جهانی ملل متحد در مورد حقوق کودکان در سال ۱۹۸۹ به میان آمد. که در ماده ۱۷ خود چارچوب بین المللی را در ارتباط با رسانه های جمعی در نظر گرفته است و این ماده برحق دسترسی کودکان و نوجوانان را به منابع اطلاعاتی تأکید و از نیاز به تنظیم و

رهنمود های مناسب برای محافظت از کودکان و نوجوانان در برابر اطلاعات، مطالب و برنامه های زیان آور برای سلامت اخلاقی آنان بحث میکنند.

چون تلویزیون به حیث یکی از وسایل مؤثر و مهم ارتباط جمعی، آموزشی و تربیوی بر

کردار و رفتار و سلامت روحی و اخلاقی افراد و سازگاری وی با جامعه و ناهنجاری های عاطفی و احساساتی و اعمال خشونت آمیز تأثیر فوق العاده را دارا می باشد پس بر دست اندر کاران و برنامه سازان تلویزیون است تا از خطر ها و آسیب پذیری های برنامه های تولیدی شان بر روان و کرکتر افراد و به ویژه کودکان، نوجوانان و جوانان آگاهی داشته باشند و از تولید و نمایش برنامه های که خشونت آمیز و منافی اخلاقی چون صحنه مشروب نوشی، استعمال مواد مخدر، قتل و قتال، صحنه های برهنه، خشن و نامطلوب جلوگیری به عمل آورند و آنرا به نمایش نگذارند. زیرا نمایش

بدین اساس خشونت و هرزه نگاری که در بین رسانه ها سایه افکنده است نگرانی های جدی والدین، آموزگاران و مسولان و دست اندرکاران بخش دولتی را در مورد تأثیرات سو برنامه های آنان بر کرکتر و اخلاق و رفتار کودکان، نوجوانان و جوانان کشورها برانگیخته است. که اکثر کشور های جهان میزان فزاینده ارتکاب خشونت و جرایم در زنده گی کودکان و نوجوانان و جوانان را مربوط به تماشای صحنه های خشونت آمیز و نامطلوب برنامه های تلویزیون



و ویدیویی آنان میدانند که باید مقامات مسوول این کشور ها در زمینه جدا" داخل اقدام شوند. که این مساله در کشور ما هم در اوضاع و احوال کنونی به شدت از طرف رسانه های خصوصی و تصویری در جریان است.

امروز در بسیاری از کشور های جهان قوانین رسمی را برای محدود کردن این چنین برنامه ها وضع نموده اند تا از بدبختی ها و سیه روزی هائیکه در نتیجه تماشای اینگونه برنامه ها برای کودکان و نوجوانان شان رخ میدهد از آن جلوگیری به عمل آورند و در این مورد با مسوولان

از پستی و اجتماعی تا روزنه



،کودک ،جوانان ،جوانه ها ،زن و جامعه ،صحت وزنده گی ،وحدت ملی ،ماو شنونده گان وبرنامه ورزش باید بگویم که کورنی ژوند یک برنامه قدیمی بامحتوا خانواده گی است که نام آن به گوش های هموطنان آشنا است واز چندین سال به بدینسو در رادیو افغانستان نشر می شود و پیوسته با ارانه مطالب رهنمودی ،تر بیتهی معلوماتی ومشکلات حاد خانواده ها راحل وفصل نموده است. یک برنامه اخلاقی واجتماعی است که اکنون ۴۵ ساله شد وهمچنان برنامه های صفحه تاریخ ،میراث های گرانبها، وحدت ملی ما وشنونده گان که ضمناً" از جمله برنامه های سابقه دار هستند ثبت وسپس به دست نشر سپرده می شود وهمینطور برنامه های جدید جوانه ها وشفافیت نیز تهیه ونشر می گردد.

اکنون باید گفت که برنامه ها بیشتر مسایل تربیتی ، آموزشی، معلوماتی وهمچنان فرهنگی را در بر می گیرند البته به منظور بهتر شدن، جذابیت وجذب بیشتری شنونده گان برنامه ها سعی وتلاش به خرج میدهم تامطالب دلچسپ ،آموزنده ومعلوماتی را انتخاب نمایم تا برنامه ها خوبتر وبهتر بدرخشند. همچنان برنامه های زنده نیز مورد پسند شنونده گان قرار گیرد.

در آینده نه چندان دور تنظیم مصاحبه های اشخاص سرشناس وبرنامه های زنده ومستقیم هم در نظر است که ایجاد شود. البته این اداره پلان دارد تا به منظور جمع آوری اطلاعات ومصاحبه ها ژورنالیستان مربوطه را به ولایات کشور اعزام نماید همچنان در مورد موضوعات حاد خانواده ها مصاحبه هارا جمع آوری وبه نشر برسانند. ماتدابیری را در سهم خود اتخاذ خواهیم کرد تا تمام برنامه های که تهیه می شود مطابق به معیار های اخلاقی واجتماعی بوده و در چوکات پالیسی های وضع شده نشر و پخش شود. زیرا رادیوی ما یک رادیوی ملی است که نمایانگر وحدت ملی افغانستان می باشد قابل تذکر میدانیم که کارها وامور اداره روزنه مطابق اصول ومقررات موجوده به پیش می رود همه با اتفاق و وحدت در حصه بهتر شدن کارها ابتکارات لازم را از خود تبارز میدهند

البته تهیه کننده گان برنامه های این اداره به تعداد ۲۱ تن می رسد که از آن جمله ۱۳ تن رسمی و ۸ تن حق الزحمه یی هستند. با استفاده از فرصت باید عرض کنم که نظر به حجم برنامه ها تعداد کارمندان ما بسیار کم است. کارمندان فنی ومسلکی در قسمت برنامه ریزی وساختار برنامه ها رول اساسی ومهم دارند. و تمام کارمندان موجوده اداره روزنه البته در مسلک خود دارای تجارب کافی بوده و از

استعداد و لیاقت خوب برخوردار هستند.

ادارات مختلف رادیو افغانستان که همه روزه برنامه های مختلف را ارائه نموده ، همواره در راستای ارائه ی مطالب ارزشمند دینی، اقتصادی، اجتماعی، تربیوی، حقوقی ،

ورزشی و بسا موضوعات حاد در کشور تلاش که همه قابل تقدیر، تحسین وتوصیف است اداره مجله آواز مصمم بر آن است تا تک، تک ادارات رادیو و تلویزیون ملی را به شناسایی گیرد به همین سلسله



عبدالغفور رشیدی

مدیریت عمومی روزنه رادیو افغانستان را به معرفی گرفته است :

یکی از کارمندان ، مستعد بادانش که دارای سوابق عالی تجارب سرشار در زمینه کار ومسلک خود است آقای عبدالغفور رشیدی است که به حیث مدیر عمومی اداره روزنه ایفای وظیفه مینماید موصوف در مورد کارکرد ها و فعالیت های اداره روزنه رادیو افغانستان چنین گفت :

اداره روزنه که در ابتدا به نام اداره سیاسی واجتماعی نامیده می شد اکنون مطابق نیازمندی ها و پالیسی نشراتی به اداره روزنه مسمما گردیداست.

در مدیریت عمومی روزنه ژورنالیستان در دویخش مشغول تهیه برنامه ها هستند مدیریت تربیتی ومدیریت معلوماتی.

اداره روزنه دارای ۲۰ برنامه متنوع در طول هفته بوده که عبارتند از: کورنی ژوند، شفافیت ، محیط زیست ، جهان ما، کشور ما، مشاهیر جهان ، جامعه وقانون، صفحه از تاریخ میراث های گرانبها، زراعت ومالداری ، سره میاشت ، اطفال



سینما او داستاني ادبیات



چی بیا به لیکوالو د هری کیسی او موضوع په اړوند ډېر ښه ډیالوګونه او زړه راښکونکي کلمات کارول . په دی اړه دمخه هم یو څه ناکامی هڅی شوی وی د بلګی په توګه یوه نامتو پوه ؛توماس ادیسن؛ په ۱۸۸۷ کال خوځنده څپزونه په یوه خوځنده پټی ضبط او ثبت کرل خو لکه څنګه چی مو وویل بشپړ بری یی په برخه نه شو .

په ۱۸۸۹ کال ؛جرج اسټیمن؛ په نیویارک کی د عکاسی یوځانګری فلم جوړ کړ چی په ؛لرلید؛ کی تری استفاده وشی . خو توپیر یی له ادیسن سره په دی کی وو چی نوموړي یو ټاکلی ؛نوار؛ له هغه څخه واخست تر څو د بېلابېلو حرکتونو عکاسی وکړي . په پایله کی د ؛ادیسن؛ کارګا او د

؛اسټیمن؛ د فلم خوځنده عکسونه یا فلم اخستل راتلونکو ته یوه تجربه پلاس ورکړه چی په ۱۸۹۴ کال کی ؛ اکوست لومیري؛ یو فلم د پردی پرمخ ویشود.

ولی لومړنی داستاني فلم په ۱۹۰۳ کال کی د لومړي ځل لپاره ؛ادوین پورترم؛ د یوه داستان څخه داسی فلم جوړ کړ

چی په هغه کی د یوه امریکایي مامور ژوند تمثیل شوی وو چی ده د اور وژلو په یوه موسسه کی دنده درلوده . دا چی ولی په ۱۹۳۰ کال کی د سینما د هنر په اړه خبری اتري د ورځی یوه ډېره مهمه توده پېښه وګنل شوه؟

نو په دی اړه ؛نیکولاس پرونای Nicholas Pronay؛ د ۱۹۱۸ او ۱۹۴۵ کالو تر مینځ د جنګی فلمونو په هکله په پرتلیزه توګه کاري . له لومړنی نړېوالی جګړی نه یوه لسيزه وروسته یو شمېر هغه خاطری چی له

دا چی په ۱۹۲۰ کال د یو شمېر اروپایي هېوادونو سینما په نړېوال ډګر کی څومره د پام وړ وه؟ خو د هالیوود کمپنی نه یوازی د امریکا په کچه کی بلکی د نړی په نورو هېوادونو کی هم یوه غوره مارکېټ د سینمایي فلمونو د ښودلو لپاره جوړ کړ ، نو ځکه خو د امریکا متحده ایالاتو ، ګن شمېر فلمونه چی د ډېرو فلمونو مینځپانګه یی جنګي وه د نړی بېلابېلو هېوادونو ته ولېږل .

په ۱۹۲۵ کال د ؛کینګ ویدور kingvidor؛ ګټور اثر د نړېوالو لپاره د پام وړ وګرځېد او د فلم مینه وال یی د خان خواته رامات کرل . په ۱۹۳۰ کال ؛مایلستون Milcston؛ په خپل یوه نوي نوښت سره د فلم په نړی کی یو نوی خوځښت پیل کړ چی هغه په فلم



کی د ؛غرنوار؛ وو، چی په ډېری څیرګی یی د موزیک له ؛بګرون؛ سره یو ځای خواړه او په زړه پوری او ازونه د فلم سره مل کرل . له دېنه د مخه که لیکوالو او د فلم سنارستانو خپلی غوښتنی د فلم په پرده کی په چوپه خوله او یا په ؛میکه؛ ښه انځورولی خو کله چی په فلم کی د ؛غرنوار؛ ځای وموند بیا نو نه یوازی د سینما تخنیکي اړخ وده وکړه بلکی د فلم داستان او سناریو هم د فلم مینه والو په مینځ کی ورپاور تر لاسه کړ

د سینما هنري ژوند ته لنډه کتنه: د سینما په فلم پوری اړوند لومړنی تجربی د ځنو څپرونکو په اند له ۱۸۹۰-۱۸۹۴ زیږدي کال نه را په دېخوا؛ په علمي توګه پیل شوی دي . که څه هم د سینما نا خوځنده تجربی له دېنه دمخه دي ولی خوځنده عکسونه بیا د لومړي ځل لپاره په ۱۸۶۰ کال په ؛فلافلیا؛ کی د یوه تن مهندس لخوا چی ؛کلن سلرز؛ نومېده وکارول شول . په ۱۸۷۲ کال کی د کالیفرنی Caleyperni اورګاډي د پټلی یوه خاوند د ځغاستی په وخت کی د آس په حرکاتو کی د څېړنی لپاره اقدام وکړ .؛ د دی ټولو هاندو هڅو په لړ کی په علمي او بنسټیزه توګه په ۱۹۳۵ کال د فلم د بشپړېدو په لاره کی علمي ګامونه پورته شول .

که څه هم له دېنه د مخه په ۱۹۲۸ ز کال د سینما په نړی کی یو ستر بدلون را مینځته شوی وو چی له بابتنه یی څېړنی لاجتکي شوی

د دوه نړېوالو جګړو په مینځ کی د سینما د ودی او پرمختګ کار هغه مهال چټک شو چی د یو شمېر هېوادونو لخوا یوه ګډه

پانګه د فلم د سوداګری په چارو کی رامینځته شوه چی له برکته یی یو شمېر د فلم جوړولو کمپنیو په کار پیل وکړ .

د ۱۹۱۴ نه تر ۱۹۱۸ پوری د نړی یو شمېر بی طرفه هېوادونو د جګړه مارو هېوادونو په څېر چی په لومړی نړېواله جګړه کی ښکېل وو جنګی فلمونه جوړ کړل . ولی کله چی د سولی تړون لاسلیک شو د دا ډول فلمونو بازار هم سوړ او ان دا چی خپل ارزښت یی له لاسه ورکړ .

کره کزی دی په دی اند دي چی دغه فلم (د ۱۹۵۰ کال) د نورو فلمونو په پرتله غمزللی داستان لري . همدارنگه د المان له ماتې وروسته دېر شمېر فلمونه جوړ شول چی مور په دی لړ کی د ؛ پتواتلانو؛ فرانسه ۱۹۴۶ز ، کاناریس Canaries (المان ۱۹۵۴) ، د ایرلیند جگره (انگلیس ۱۹۴۷) او تور په لسگونو فلمونه یادولی شو. ولی بیا هم د انگلستان هېواد له ۱۹۴۲ نه تر ۱۹۶۴ پوری د فلمونو په نړی کی د پام وړ کار نه دی کړی خو د ایټالی ، فرانسی او جرمني هېوادونو هنري او داستاني کارونه بیا د پام وړ دي.

د فرانسی هېواد له ۱۹۴۴ نه تر ۱۹۵۵ پوری د شلو په شاوخوا کی داستاني او مستند فلمونه جوړ کړي دي . د ایټالی هېواد هم تر ۱۹۵۱ کال پوری د فرانسی هېواد ته ورته کار تر سره کړی دی . ولی المانیانو بیا په خپلواکه توگه د فلم په نړی کی نه هېرېدونکی کارونه کړي دي.

پایله دا چی څلورو اروپایي هېوادونو (انگلستان، فرانسه، ایټالیا ، جرمني) د لسو کالو (۱۹۴۲- ۱۹۵۲) په شاوخوا کی چی کوم فلمونه د ؛مقاومت؛ په پېر کی جوړ کړي دي دادي: پت ماموریت ، د ویار ورخی ، یوه بڼه ورځ وه، بی دفاع ښار، د سزا ورځ، اورینه جوغه، دوه بی نومه لیکونه ، اوس باید ووايم، لمر بیا وځلېد، هوسا او نیکمرغه پلار، د توپان په وړاندي ، ستره لینده او نور یادولی شو.

له ۱۹۵۴ نه تر ۱۹۸۲ کال پوری یادوشو هېوادونو چی کوم فلمونه جوړ کړي دي د یو شمېر نومونه یی دا دي : وروستی پل، شیطان جنرال، بی ستورو اسمان، د جولای شلم ، د سپوږمی ملاقات ، د وژنی فرمان ، تروریست، پاریس سوزي، لاکومب لوسین، سپینه ورځ او نور د یادولو وړ دي . له هغی نېټې نه چی د سینما تاریخ پیلېږي بیا تر اوسه پوری زرگونه سینماگانې په اروپایي هېوادونو کی یو د بل پسې جوړی شوی دي د یوی څېړنی له مخی ډاکیزه شوی چی له ۱۹۵۰ نه تر ۱۹۶۰ پوری دخنوکمپنیو لخوا لږ تر لږه دوه زره (۲۰۰۰) سینماوی وتړل شوی.

د همدی مودی په شاوخوا کی په لسگونو فلمي داستانونه په ایټالیا، فرانسی، المان، انگلستان او نورو هېوادونو کی ولیکل شول چی د ډېرو داستانونو مینځپانگه یی جگره او د جگری پایلی ، د کډوالی ستونزی، پولیسی او جاسوسی، بېگاری او تنگلاسی ، د ماشومانو راتلونکی ژوند او نور داسی داستانونه وو چی له جگری دمخه او وروسته چاپیریال په کی ډېر بڼه انځور شوی وو. چی مور په دغه لړ کی د ایټالی د هېواد هغه فلمي داستانونه چی سرلیک کی وو ؛هېوادپانه؛ د بېلگی په توگه یادوو چی په ۱۹۴۰ کال دغه فلم د هغه ماشوم کیسه کوي چی د لومړی نړیوالی (۱۹۱۴- ۱۹۱۸) جگری په موده کی له ؛الپی سرتېرو؛ سره یو ځای د جگری په لومړی لیکه کی جنګیږي چی بیا په همدغه مهال کی د ؛اتریشی سرتېرو؛ لخوا نیول کیږي

له ۱۹۴۰ کال نه وروسته د لویدیزی نړی په فلمونو کی د نیشنلیزم روحیه پیاوړی شوه خو د ۱۹۵۰ نه تر ۱۹۷۵ کالو پوری په یو شمېر سینمایي فلمونو کی د ؛ملی غرور؛ روحیه دومره پراخه شوه چی امریکایانو ، انګرېزانو ، ایټالیانو او المانیانو د خپلو اولسونو اتلولیو ته داستانونه لیکل او سینمایي فلمونه یی تری جوړول . د ساری په توگه د ایټالیا هغه فلم یادوو چی د یوی کلیوالی نالوستی مېرمنی کیسه کوي چی ؛اګنس؛ نومیري نوموړی په یوی داسی سرتیری ؛پارتیزانی؛ اتلی اوري چی باید جگری ته لاره شي چی مړه شی . له دی سربره د ؛ایلینګ؛ فلم جوړولو کمپنی یو نیمایي فلم ؛د یوی ښی ورځی؛ په نوم وښود چی د فلم داستان داسی دی ؛ د انګرېزانو یوه ښکلې سمسوره سیمه د المانی ځواکونو تر تیري لاندی راځی او په پای کی دا سیمه لاندی کوي . ولی د سیمی مېرني خلک نه یوازی د بهرنیو ځواکونو د تېریو په وړاندي ټینګ درېږي بلکی کونښ کوي چی خپل غېر نورو سیمو او وگړو ته هم ورسوي دغه فلم د ۱۹۴۲ کال په پرتله ډېر تراژدي دی . د مثال په ډول یوه انگلیسی میرمن غواړي چی یو المانی تن پخپل تبرکی ووژني څېړونکو چی دغه فلم

اولسونو سره وی د فلم مینه والو په هنري نوښت د نندارو ، د رومانټیکو داستانونو، د هنري ټابلوگانو او انځورونو له لاری یو شمېر هېوادونو (په دی لړ کی بریتانیا چی په لومړی نړیواله جگره کی ښکلې وه) هڅه وکړه چی خنی تاریخي فلمونه د سینما ډگر ته وړاندي کړي . که له یوی خوا انگلستان خپلو سینمایي لوېگارو ته ډېره پاملرنه کوله خو له بلی خوا یی د تیاتر هنر هم له یاده نه ایسته بلکی د لا غورولو او پراخولو لپاره یی مټی رانغاړلی وی داځکه چی تیاتر په بریتانیا کی په تېره د شکسپیر په مهال دومره مینه وال لزل چی ان د انگلستان ملکه به یی ننداری ته ورتله له بریتانیا نه سربره المانیانو هم د سینما فلم ته ډېره پاملرنه وکړه او ؛کارل ریتر؛ داسی هنري او بدیع داستانونه وکښل چی په فرانسه او نورو اروپایي هېوادونو باندی اغېزه وکړه.

دا ډول داستانونو کی دوه ټکو ته ډېره پاملرنه شوی وه یو شمېر داسی داستانونه ولیکل شول چی بڼه او مینځپانگه یی هغو جاسوسانو ته بېله شوی وه چی یوه به د بل هېواد لپاره جاسوسی کوله او دویم ټکی چی د داستانونو ارزښت او نوښت یی ډېر د پام وړ وو هغه داسی داستانونه وو چی انسانان باید نور خپل ژوند جگری پوری ونه تری مانا دا چی لومړی نړیوالی جگری انسانی ټولنه دومره بد مرغه کړه چی له یوه سره انسانان نهیلی شوي وو. د بېلگی په توگه د ؛ابل گانس؛ په فلم کی گورو چی د فلم په پای کی د یو شمېر جگره مارو هېوادونو سرتېري د جگری په مورچلونو کی لاس تر زنی ناست دي او مرگ ته سترگی په لاره چی په پای کی په ډله ییزه توگه وژل کیږي .

د ایټالیا هېواد هم دېته ورته یو فلم جوړ کړ چی گنی هر څه د جگری په لمبو کی وسوځېدل. ځای ځای په فلم کی گورو چی له جگری سترې سرتیري هره خوا خغلی دا فلم چی د فاشیستانو د واکمنی په مهال جوړ شوی دی له حیرانتیا ډکی صحنی پکی ترسترگو کیږي چی په پای کی د داستان اصلي لوېغاری (قهرمان) مري او فلم هم پایته رسو کیږي.



حسن، جمال، زیبایی و زیبایی شناسی در کلام رحمن بابا

بعد از مرحله فوق الذکر رحمن بابا از جمال مادی بسیار دور و بالا سفر کرده و در جمال معنوی و تماشای آن در عالم بیرنگی متوجه گردیده که در این مرحله رحمن بابا جلوه های جمال حقیقی و حسن مطلق را میبیند. در اینجا موصوف به جای صورت به سیرت متوجه می شود از شکلیات بسوی معنویات سیر ارتقایی خود را می پیماید درین مرحله (صلح کل) همه چیز به نظرش حسین و مقبول بوده و حتی تصور قباحت و قبیح بودن کسی یا چیزی را مردود میداند. یعنی از مجاز به حقیقت میگذرد.

رحمان بابا در مورد جمال و حسن باید تمام افکار و اشعار جمالیاتی او را به تحلیل بگیریم در کلام رحمان بابا در این رابطه تسلسل فکری و منطقی منظم و زیبایی شاعرانه موجود است.

در مرحله اول حسن را در کائنات و موجودات عادی و طبیعی و مخلوقات خالق (ج) دیده و خط و خال محبوب و مطلوب مجازی خود را میستاید و مطلوب ناسوتی خود را گاهی دلبر و گاهی جانان و گاهی نام های دیگری میدهد و زیبایی ظاهری همین معشوق و مطلوب را به ستایش مینشیند.

داسپورمی چی نه بی سرشته نه بی پینی شته
په کوم حسن به له تاسره سمییری
ود ندانوته دی درویلی نه شم
کابی کله دبریشنابه دود خلییری
ویا:

دیل خط په عبارت به نظر نه کا
چی نظر او کاندی ستاپه خط و خال خوک
نور خوبان دی ستا تر مخه پوری هسی
لکه بل کا داقتاب په مخ مشال خوک
در یونان باستان در هر چیزیکه نظم
و توازن می بود او را نیز دارای
حسن دانسته است.

متفکرین یونان باستان چیز خوب را حسین و خراب را بدرنگ نیکی را حسن و بدی را قیح، خیر را احسن و شر را قبیح قبول کرده و منبع حسن خالق جمیل لایزال را میدانستند. حسن خالق (ج) را حسن مطلق و حسن حقیقی میخواندند.

که بعد از این نظریات متعددی در شرق و غرب در زمینه ابراز گردیده و شعرای متقدم و متاخر، اعم



از عادی و عارف شایق جمال بوده و از حسن و جمال در کلام شان فراوان سخن گفته اند.

که این لطیفه یعنی حسن و مفهوم ملزوم آن عشق در کلام رحمن بابا به زیبایی و برجسته گی خاص به بیان آمده. به خاطر فهم طرز دید



و همچنان حدیث قدسی زیرین میباید
 « اینما تولو فثم وجه الله » ، «
 کنت کنزا مخفياً فانی اردت ان
 اعرف فخلقت الخلق» باید گفت که
 حسن فطرتاً ولزوماً اظهار میخواید
 و از ظاهر شدن ناگزیر است و به
 حجاب و پرده مستور نمیماند بابای
 عرفان پشتو در زمینه میفرماید:

رحمان حسن دیار وینی په پرده کی
 نه پتیرې نوردم شعې په فانوس
 لکه می چه په مینا کبئی تجلی کا
 نوردم حسن په حجاب کی بی حجاب وی
 در شعر دیگر از رحمن بابا مفهوم
 متقابل ابیات فوق الذکرش را
 میخوانیم ؛ مثلاً:

بی پردی حسن په نه وی چالیـدی
 که خوک وایی چه لیده شی تش گمان دی
 که در دو بیت بالایی دیدن حسن را
 بدون پرده ممکن دانسته و در بیت
 پایین روی دیدن حسن را بدون پرده
 محال دانسته در ظاهر امر این هر
 دو نظر مخالف همدیگر اند ولی
 عارف خبیر ما حال خود را در



مراحل مختلفه طی الطریق مدارج
 عرفانی بیان میکند . کلمه حال و مقام
 و وقت توضیح مکمل میخواید که در
 اکثر کتب عرفانی توضیح گردیده .

و حسن در هر حالت آشکار میگرد
 یعنی خود را آشکارا میسازد و این
 تقاضای فطری حسن است که باید
 خود را آشکار سازد. « الله جمیل
 و یحب الجمال» و « یحبهم و یحبونه
 » بخاطریکه خالق همه موجودات
 یعنی الله تبارک و تعالی سرچشمه
 و منبع حسن است بناً تمام مخلوقات
 خود را حسین خلق کرده .

زیرا که سبب پیدایش عالم و آدم
 عشق و محبت بوده است . چنانچه
 رحمن بابا همین مفهوم را نهایت
 استادانه ، زیبا و عام فهم بیان کرده
 که میگوید:

داجهان دی خدای له عشقه پیداکری
 دهمه و مخلوقاتو پلار دی دا
 بدین معنی که همه مخلوقات حسین
 و زیبایی های جهان مولود و زاییده
 عشق است . اینکه حسن عشق را
 ایجاد کرده و با عشق حسن را بحث
 مفصل و مشح میخواید، ولی رحمن
 بابا و اکثر عرفای کرام عالم اسلام
 معتقدند که سبب ایجاد حسن عشق
 است ، چنانچه در شعر ذیل مفهوم
 و مضمون را به عبارت زیبایی
 دیگری بیان میکند:

غلبه د عشق باته د حسن غواری
 توره شبه عاشق ته زلفی د خپل یارشی
 بیت فوق الذکر رحمن بابا بیانگر
 اینست که عشق یعنی حب الهی (ج)
 که بیحد غالب گردید حسن را ایجاد
 کرد که البته به اساس اراده
 و خواهش بوده نه احتیاج ظاهر شدن
 حسن حقیقی و جمال برین ذات جمیل
 اقدس مساله اظهاریت و نظریه
 رویت را بمیان آورد که در این باره
 در شرق و غرب علما ادیان مختلفه
 و دین مبین ما اسلام بحث های
 تفصیلی دارد باید یاد آور شد که
 ماخذ و مبدا این نظریه آیه کریمه ذیل

المجاز قنطره الحقیقه از این مجاز
 اگر به صراط حقیقت هر چه زود تر
 نگذریم غرق گنداب هوا و هوس
 میگردیم . حضرت ابوالمعانی بیدل
 درین زمینه میفرماید:

مجازی بر تراشی تا حقیقت رنگ آن گیرد
 دویی انشا نمایی تا کنی تحصیل عار او



و یا رباعی ذیل از نگارنده همین
 رساله :

لکه بهایی شایق جمال یم آرمان
 له مانه لیری وی بیلتون او هجران
 دمهرویانو هیله من دی باقی
 نصیب بی و کوره ته وصال دجانان
 حضرت مولانای بلخی رومی در
 زمینه میفرماید:

بین به چشم دل خود که در جهان همه اوست
 به نورخویش هویدابه جسم و جان همه اوست
 و یا که رحمن بابای بزرگ در زمینه
 چنین فرموده :

به جهان خرم از آنم که جهان خرم از اوست
 عاشقم بر همه عالم که همه عالم از اوست
 چی نظر بی له صورته په معنی کره
 و رحمان و ته یکسان شو خوب او زشت

سؤال ایجاد میگردد که خالق پاک (ج)
 که هر چیز را آفرید و زیبا آفرید چرا
 آفرید و چرا زیبا آفرید که جواب
 اولی اینست که خالق پاک یعنی الله
 تبارک و تعالی سرچشمه حسن است

شعر او تصویر

استعاره، مجاز او نور او همداراز هغه لوازم چې معاصرو لويديځوالو په شعر کې په گوته کړي لکه سمبولونه، اسطوري او تمثیله ټول هغه توکي دي چې د شعري تصويرونو د روښانولو او په زړه پوري کولو لپاره استعمالیږي. له همدې امله په شعر کې گڼ هنري فنون او د کلام صنعتونه د ښو تصويرونو د ایجاد لپاره کارېږي. کلاسیکو شاعرانو هم په خپلو شعرونو کې د ښو تصويرونو د ایجاد لپاره هڅه کوله، دا چې هغه مهال د تصویر مقوله په همدې معاصر مفهوم نه وه مطرح، بېله خبره ده خود لویو شاعرانو شعوري هڅه دا وه، چې په خپلو شعرونو کې رانه تصاویر رامنځ ته کړي. دا څو بیلگې به تحلیل کړو:

گوره راته څه وايي داستا دواړه چشمان
نور عالم نور ښکار کا، مونږ دین اود ایمان
خوشال خان خټک په دغو بیتونو کې
لږترلږه پنځه بیل بیل شاعرانه
تصویرونه پنځولي دي.

لومړی تصویر: راوي (شاعر)
خپلي معشوقې ته مخامخ دی،
ورسره خبرې کوي د "گوره" کلیمه -
یوازې یوه کلیمه - دغه حالت په
بشپړه توگه تمثیلي یعنی راوي او
د هغه مخاطب د خبرو په حال کې.

دی، ولي ژبنی تصویر ورته وایو؟
ځکه د کمري، فلم یا رنگ په وسیله
نه دی ترسیم شوی، بلکې د ژبي
(کلیماتو او مفاهیمو) په مرسته
ترسیميږي ځکه یې ژبنی تصویر
گڼو. اوس نو لاندې دواړه عبارتونه
داسې تعریفولای شو:

تصويري کلام: هغه دی چې غرض
ورڅخه د یو شي، فکر یا پېښې
تصويرول، ترسیمول، او ذهن ته
رسول وي.

ژبنی تصویر: د مفاهیمو هغه
مجموعه ده چې د ژبي په وسیله
شي، یو فکر یا پېښه تصویر کړي.
تصويري کلام نثر او نظم دواړه په
بر کې نیسي، کیدای شي یوه کیسه،
یو حکایت حتی یوه عادي خبره او یا
شعر ټول تصويروي وېولو، خو له
شعر سره د تصویر د مناسبت په
اړه د شعر لپاره داسې تعریف غوره
کولای شو، چې: شعر د ژبنيو
تصويرونو مجموعه ده. یعنی اوس
له یو عام تعریف څخه "چې
تصويري کلام دی" یو څه خاص
تعریف ته ورنږدې شوو.

تصويرونه د شعر خاصیت نه بلکې
رغونو کې توکي (اجزا) دي، یعنی
شعر له معنوي پلوه له تصويرونو
څخه جوړېږي. یوشمېر هغه شعري
لوازم چې کلاسیکو بلاغت پوهانو د
شعر لپاره نومولې لکه تشبیه،

تصويري کلام څه ته وایو؟ کله کله
مور په ورځنیو خبرو کې دداسې
مطلب په هکله خبرې کوو، چې
اوریدونکي یې د خبرو اوریدو پر
مهال، نه مور او نه زموږ د خبرو
کلیماتو ته توجه کوي، بلکې مخامخ
د هغې موضوع لږې تعقیبوي چې
مور پرې خبرې کوو.

دلته دوه څیزونه زموږ خبرې
تصويري کوي، یو دا چې یوازې پر
ټاکلي موضوع خبرې وکړو او له
ډېرو حاشیو څخه خان وساتو او بل
دا چې د ټاکلي موضوع کیسه په
داسې بڼه وکړو چې پېښې، څېرې،
اشیاء او حرکات د اوریدونکي لپاره
تمثیل شي. د هرې کلیمې شاته یو
مفهوم پروت دی، د مفاهیمو منظمې
او په ارادي بڼه جوړې شوي
مجموعې ته ژبنی تصویر او د
کلیماتو مجموعې ته تصويروي کلام
ویلی شو. مثلاً آس - شنه - ورشو -
سهار - منډې وهل، ټول کلیمات دي
او په انتزاعي توگه د هرې یوې شا
ته یو مفهوم شته اوس که ووايو:
"سهار دی او په شنه ورشو کې یو
آس منډه وي" دا جمله یو
تصويري کلام دی ځکه مور ته یو
تصوير تمثیلي وي. هغه څه چې مور
یې د یوې ذهني پروسې په لړ کې
د دغه تصويروي کلام له برکته گورو
(مجسم کوو یې) همدا ژبنی تصویر

له مجموعی څخه یو عمومي تصویر اکثراً نه جوړیږي او دلیل



بی هم د کلاسیکي دوری د شاعری په فورم کی دی، غزل، رباعي، قطعه او نور فورمونه اکثراً په هر بیت یا حتی هره مصرع کی بیله موضوع بیانوي ځکه خو تصاویر هم سره بیل وي او لرغونی شاعري د همدغو فورمونو شاعري ده، په دی کی قصیده (بولله) او مثنوي هغه فورمونه دي، چي کله کله د خپلي موضوع د تنوع له مخي کامل او مجموعي تصاویر هم اراښه کوي په تیره بیا هغه بوللي او مثنوي گانې، چي د یوی خاصی موضوع په اړه وي که څه هم په کی د هری تصویري توتی هڅه همدا وي چي د لوی او مجموعي تصویر یوه برخه سازه کا، خو زموږ لرغوني شاعران د انځوریزو ارکانو د تړون پر اهمیت ډیر نه وو خبر - په دی برخه کی بیا هم خوشال بابا سر لاری دی، د هغه ځیني قصاید او مثنوي گانې او د حمید مومند ځیني تمثیلي آثار دا ځانگړنه لري. په پته خزانه کی راغلي دري بیلگي د مجموعي تصویرونو د ایجاد لپاره د کوچنیو تصویرونو د مرستی او تړون په برخه کی شهکاری نموني دي: د غوري ښکارندوی نامتو قصیده:

دپسرلي ښکلونکي بیاکړل سنکارونه
بیایي ولونل په غرونوکی لالونه ترپایه

پاتی برخه (۴۱)....

کارگه چی مرگ بی په اول حرکت کی تمثیل شوی تعریفوي.

دا کوم کارگه دی؟ هغه چی د کمان په موټي باندی په څو ناست دی او له رنگه هم تور دی.

په کلاسیکه دوره کی - زما په نظر - خوشال بابا لومړنی شاعر دی چی په شعر کی د تصویرونو داسي تلوسه پنځوونکي بافت ته توجه کوي. دا ځانگړنه لږو ډیره په رحمن بابا - حمید موشگاف او کاظم خان شیدا کی هم شته چی حمید موشگاف د انځور هستونی ښه استازی دی، دا بیلگه وگورئ، چی د تصویرونو د بیلتون له مخي په تصویري ارکانو ویشل شوی:



خط پر مخ د صنم راغی
که سپوږمی شوه په هاله کی
دا بی غا بن په خوله کی زیب کا
که ژاله شوه په لاله کی
دا زماله غمه شین زره
په کی خیال د یار د شونډو
هسی رنگ زیب وزینت کا
لکه می په شنه پیاله کی
پاس هره بیله لیکل شوی کرښه د
یوه ځانگړي زانه تصویر څرگندویه
ده.

د کلاسیکي دوری په شاعرۍ کی تصویرونه د ورو انځوریزو قطعاتو په څېر یو د بل ترڅنگ کتاریږي ډیر ځله له موضوعي پلوه یوازی دي او کوم تړون نه لري په یو واحد شعر کی د کوچنیو تصویري برخو

په لویو غرو، هم په دښتو کی
په لوی سهار، په نیموشپوکی

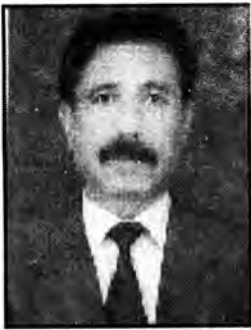
راوي خپل مخاطب مخامخ کتلو یا متوجه کولو ته هڅوي.

دوهم تصویر: د مخاطب (معشوقی) دواړه سترگی خبري کوي: دا ریښتیا، چی یو ښکلی تصویر دی، تاسو کله د چا د دوو سترگو خبری لیدلي؟ د سترگو حرکات کله کله بشپړ مفهوم افاده کوي؛ یا غوسه دي یا خوشاله، یا مهربانه او یا هم بی تفاوته همدا خبری دي، او دا چی تاسو د خوشال بابا د مخاطب د سترگو ځانگړی حالت تصور کوئ حتما مو په ذهن کی یو تصویر جوړوی، د شاعر کلیمات د کمپیوټر هغو الکترونیکی جریانونه ته ورته دي چی په سکرین (پرده) باندی د جوړ شوي تصویر یوه برخه ایجادوي، یعنی همدا کلیمات د شاعر له مقصد څخه راځي او ستاسو په ذهن کی یو تصویر جوړوي، د معشوقی د سترگو د خبرو ذهني تصویر.

درېیم تصویر: چی د لوستونکو ذهن سملاسه د راوي د مخاطب د سترگو له خبرو څخه لری کوي دا دی چی نو ر عالم نور ښکار کا او دغه سترگی د دین او ایمان په ښکار پسی گرځي، دا د عیني او ذهني انځور جوړونی یو ښکلی تلفیق دی، عیني برخه یی د "نور عالم نور ښکار" او ذهني یی د "دین او ایمان" ښکار دی.

څلورم تصویر: چی دوه حرکتونه لري د لومړي حرکت په نتیجه کی دوهم حرکت ایجاديږي یعنی کله چی کارگه (کارغه) د معشوقی د خال او وروځیو لیندی وینی نو مري دلته د لینده لیدل یو تصویر او د کارگه مرگ بل تصویر دی خو خوشال بابا له منطقي پلوه دوهم انځور د شعري اړتیا له مخي اول راوړی دی یعنی "کارگه مري" کله چی "لینده وینی".

پنځم تصویر: خوشال خان یوځل بیا متقدم تصویر متأخر کوي او هغه تر پایه دوهم د شیخ متي بابا مناجات:



مرتضی اسحاق‌زی

مهارت های درست نویسی برای رسانه ها



برعکس روان گیرنده ها را می آزرده، خواننده خبر را سراسیمه و ملول ساخته و ادیتور را سرگیج می سازد.

روی هم رفته بی تفاوتی، بد ذوقی، بی تجربه گی و نداشتن معلومات آفاقی شماری از خبرنگاران، تقلید و الگوبرداری از زبان های بیگانه و ترجمه های غیر دقیق از انگیزه های است که فراینده پیام رسانه را دچار یک سلسله کژی ها و نادرستی ها ساخته و خبرنگار را در رساندن پیام خبر ناموفق می نمایند.

خبر نگار باید قابلیت ساده نویسی، اعجاب آفرینی و هیجان انگیزی

کهن پارسی و واژه های عاریتی بی بهره اند. هم چنان بدون در نظر داشت ویژه گی های پیام درخبر و رعایت نکردن معیارها و نورم پذیرفته شده به نوشتن خبر و گزارش می پردازند. در حالیکه به کارگیری این ویژه گی ها و دانستن روش های مؤثر نفوذ بر افکار عامه، تنها از طریق آرایه پیام های خبری میسر می گردد. از همین سبب است که اغلب رسانه ها دستخوش غلطی های دستوری و ویرایشی و محتوایی شده و سرانجام نمیتوانند مخاطبان را مجاب کند

مدت هاست که اصالت ساده گی نشر زبان پارسی در حوزه رسانه بی علیرغم تعدد رسانه ها کم رنگ شده، به دلیل اینکه شماری از خبرنگاران درک مفاهیم و شناخت واژه های جدید در حوزه زبان و گزینش آن به



عوض واژه های زبان و ادبیات

را داشته باشد و درکنار اندوخته های ژورنالیزم به دانش های دیگر به ویژه زبان و ادبیات دری و دانستنی های آفاقی دسترسی داشته باشد. در این بخش به یک سلسله هنجار های نادرستی های رایج در زبان دری و درستی ها و نادرستی ها در نگارش خبر، کاربرد واژه های پارسی دری به جای واژه های عربی که در بسا موارد، هردو واژه هم معنی پیوست هم به کار میرود پرداخته می شود. امید است رهنمای باشد برای درست نویسی و درست گویی در رسانه های یکی از این نادرستی ها، بی دقتی در تطابق زمان فعل و تکرار فعل در ترکیب جمله بندی می باشد.

مانند این خبر: **هنیت با صلاحیت به منظور تطبیق فرمان شماره ۴۵، امروز رهسپار ولایت بلخ شد.** **هنیتی** که وارد ولایت بلخ شده بودند، گفتند که با والی بلخ ملاقات و دیدار کرده اند، در این خبر؛ نادرستی زمان فعل و تکرار فعل بدرستی نمایان میگردد. **طوریکه** نیمه این خبر به زمان حال و نیمه دوم به زمان گذشته و تکرار فعل به زمان حال متکی است. و اما برای شناسایی واژه های عربی و ترکی که وارد زبان

تفکیک کرد. مانند: «ثلث، ظاهر، عابر، صالح، ظهر، حادثه، قراول» غیر دری اند. پس هر کلمه ای که یکی از این هشت حرف در آن باشد فارسی نیست و چهار حرف (پ، چ، ژ، گ) که در زبان عربی وجود ندارد هر کلمه ای که از این چهار حرف داشته باشد عربی نیست شیوه های به کار گیری جمع بستن واژه های دری و عربی: **باداشتن این حرف ها در شناخت واژه های دری و عربی کلمات پارسی دری را نباید با «ات» جمع بست، زیرا «ات» علامه جمع در عربی است.** هم چنان جمع بستن واژه های عربی که در زبان دری معمول است با «ات» نیز نادرست می باشد مانند: **امور، جواهر، اولاد، احوال عملیات لوازم عوام** این گونه واژه ها به ذات خود جمع هستند.



امورات، جواهرات، اولاد ها، احوالات، عملیات ها، لوازمات و عوالمات به کلی نادرست و غلط است.

البته واژه های عربی که در زبان دری مروج است باید با «ان» و «دها» جمع بسته شوند، در حالیکه در عربی با «ون»

و «بین» جمع می شوند. نوشتن روحانیون، محصلین، مسافرین، مخالفین و ساکنین در زبان پارسی دری نادرست است. باید با قاعده زبان پارسی با «ان» پیوسته شوند؛ مانند: «روحانیان، محصلان، مسافران، مخالفان و ساکنان». از ویژه گی های زبان پارسی دری یکی هم این است که مؤنث ندارد به هر کلمه دری که با قاعده عربی صفت مؤنث داده می شود غلط است. مانند: **کالاهای وارده و فرمان های صادره نمیتوان گفت. اسم جمع مانند: «کروه، لشکر، مردم» گاهی هم با «ان» و «ها» جمع بسته می شود مثل: لشکریان، یا لشکر ها، گروه ها و مردمان که در قاعده زبان پارسی دری نادرست می باشد زیرا که در نقش خود اسم جمع است و جمع در زبان دری معمول نیست.**

کاربرد فاعل و صفت به گونه دو جمع پیوست در زبان دری ناپسند و خوشایند نبوده از زیبایی کلام کاسته و خوانش و درک پیام خبر را به گوینده خبر و شنونده مشکل ساز میسازد مانند: **شورشیان طالبان یا جنگجویان طالبان و یا ۵۰۰ تن از باشندگان.** دو جمع

فاعل و صفت پشت هم تکرار میگردد ناموزون بوده بهتر است **شورشیان طالب یا طالبان شورشی، جنگجویان طالب یا طالبان جنگجو و ۵۰۰ باشندگان** به کار برده شود که در این صورت کلام موزون، رسا و زودتر درک میگردد.



دهېواد تکره او تجربه لرونکی شاعر

سمندرکی لاهوشوی دي، چی په هره څپه کی یی دسمندر له تل څخه د مرغلرو ډک موتی راوځي او د شعر په مینه والویی شنیدی . ددغی قدرمن شاعر دپیژندنی په لړکی ویلای شم چی کمال الدین مستان دښاغلی جمال الدین زوی، په ۱۳۳۳ لمریز کال دلوگر ولایت دڅرخ دولسوالی په شش کلاکی زیږیدلی دی، لومړنی زده کړی دڅرخ په لیسه او لوړی یی دکابل پوهنتون دژبو او ادبیاتو په پوهنځی کی ترسره کړیدی رسمی دنده یی دروغتیا په مجله کی پیل کړه ، اوپه نورو مجلو کی لکه هنر، فرهنگ مردم، آواز اودوخت څارندوی په مجله کی یی هم کارکړی دی. یو وخت یی په ملی رادیو تلویزیون کی دویاند په توگه کارکاوه. اوهم دویاند و یانوعومومی مدیرو. ښاغلی مستان په ۱۳۷۱ لمریز کال کی پېښورته کډوال شو. او هلته د بی بی سی رادیو کی په تعلیمی خپرونوکی په کار بوخت شو. وروسته په کابل کی یی د بی بی سی دتعلیمی خپرونو سره خپله دنده پرمخبېوله، اوس وخت دملی رادیو تلویزیون د خپرونو دتولید په ریاست کی د ادبی خپرونو د امر په توگه کار کوي. ښاغلی مستان د کده ال دد دنده اه کاه نه د زغملو سره سره بیا هم خپله شعري لاره نه دی خوشی کړی او دی د شعر او شعر دده سره اوسپړی، او د شعر سره د استوگنی له امله یی تراوسه پوری دیارلس کتابونه چاپ او خپاره شوي دي چی له نوموړی و کتابونو څخه « دلمر شغلو»، «دپاڼو شهادت»، «پریمخلی خندا» یی شعری ټولگی دي.

دغه دهېواد تکره او تجربه لرونکی شاعر زه کابوله ۱۳۶۴ لمریز کال نه را په دیخوا پیژنم ، او دده دشعرونو سره پوره آشنایی لرم ، کله چی دده شعرونه په گوتو راشی نو په ډېره مینه یی لولم دغه دهېواد تکره شاعر کمال الدین مستان دی ښاغلی



مستان زما په څېرله قد ورکی دی، خو په شعري لوی لاس لري او دده لاس د شعر لوړو مانیوته رسپړي. کمال الدین مستان په ظاهر کی ډېر آرام او دلویی حوصلی څښتن ښکاري او دمستی ښکاره نښی دده په څېره کی نه تر سترگو کیږی، خو په معنوی لحاظ داسی پریښی چی د شعر په داسی یو مست

اورياليزم نږدېوالی زما په شعرونو کې را سترگو کيږي دغه لاره می خوښيږي ، او په دی لار روان یم.



دادی دمستان یو بل آزاد شعر:

دسترگو غېږه

کله دی ورټکوم ، کله دی کلکی او تیرلی کرکی
خویوه هم راته دسترگو غېږه خلاصه نه کـــوره
تاهم زما دلپیکل شوو اوښکو ماتې کرېښې ونه لوستی
داسی گمان کوم چی
ستاد رندو کرکیو شاته به می
دپیغلو چیغودورسیتو سلگو ساه ماته شي

او داهم دمستان صاحب د غزلیزی شاعری له فورم څخه یوه خوږه غزل هیله ده چی په لوستلو یی لازیات خوشاله شی.

دغزل لیلیا

هسی دی سترگو کی حیا پرته ده
لکه پیالو کی موسکا پرته ده
دادي له مخه پلویږي شولو
که دسپوړ می سپینه رنځا پرته ده
ستا دسپرلیني غیږی څانگو کی
دشینکو هیلو تمنا پرته ده
زلفی راوار وه چی شپه ماته شي
ستاتر پیکي لاتدی سبا پرته ده
لږ یی په ورو لوله چی وینه نشی
زما په غزلوکی لیلیا پرته ده



دشعر د پیل په اړه په خپله مستان وایی: تقریبا" د ښوونځی په اتم یانهم صنف کی وم، چی ماله شعر سره مینه پیداکړه ، او یوشعر می ولیکه چی په ښوونځی کی د ترانی په شکل ویل کېده. همدغه عواملو زه وهڅو ولم چی دغی لاری ته دوام ورکړم. په اوسني وخت کی په افغانستان کی دشعر روان بهیرته په غورو غورو نودا به راته څرگنده شی چی کمال الدین مستان دشعردبھیر دآزادی څانگی سره یی خپله ملگرتیا زیاته ښود دلی ده . په دي مانا چی دآزادشعر لاره یی تر دېره حده گزو گام کړیده ، او په خپله دغه شاعری کی یی د خپلی ټولني د ژوند د بیلا بیلو اړخونود ستونزو او آرمانونو انځورونه په دېرمهاریت سره وښکلي دي اودشعر داسی پتورازونوته یی اشاره کړی ده.

چی هرڅوک دی ته هڅوي چی دشعر په هنداره کی دنوموړو رازونو سره پوره آشناشي. دلته دابنه گنم چی دمستان صاحب د آزاد شعر له سمندر څخه یوه مرغله راپورته کړم او دگرانو لوستونکو په وړاندی یی وڅلوم.

مه کرنگوه

داتشه خوله مکره ډکه شوی خندا مه کرنگوه
زه دخالی پیالو دکرنګ په معنی ښه پوهیږم
ځکه خو زما داجل وهلی او یاغی غرور
هماغسی یاغی گرځي لا

او دا الوتلی طوطی

دچاپه پاتو او ورستو شکرو
چېږی هم مښو که خپله - نه ککړوي.

دمستان آزاد شعرونه دېر لنډدي، خوله نوښت څخه برخمن دي او په دغه برخه کی پوره دکمال څښتن دی.

یو شمېر دنظر خاوندان بیا په دی بارودي چی دمستان آزاد شعرونه په اوریدونکو او ویونکو تر غزلو زیات اثربیندی او ځانگړنه یی داده چی سمبولیزم اورياليزم سره یو ځای انځوروي . په خپله مستان په دغه اړه وایی: شپه لاهم هغسی درنه پرته ده ، لکه چی ستا ځنی دآشنا په انگو پرتي دي. کله چی لو ستونکو دڅنوکلمه وینی ورته خوندر کوي، کله چی دوی شپي ته فکر کوي یو څه تمکین غوندي شي ، کله چی بیایي لولی ده ته مفهوم په لاس ورشی دلته ده چی دسمبولیزم



الحاج محمد صلف حیدری

ژورنالیزم چیست؟



در قرن ۱۸ جزوه‌ها و اوراق اطلاعاتی برای نخستین بار در اروپا؛ به طور روزانه، چاپ و پخش می‌شد. پس از پایان قرن ۱۹ تعداد خوانندگان روزنامه‌های اروپایی افزایش یافت و به هزاران یا



میلیون‌ها تن رسید. روزنامه‌های اولیه بسیاری از انواع اطلاعات را در قطعه محدود و قابل تکثیر جای می‌دادند. روزنامه‌ها اطلاعاتی را درباره امور جاری، سرگرمی و آگاهی در یکجا ارائه می‌کردند. چاپ مطبوعات روزانه در ایالات متحده آمریکا، به سال ۱۸۹۲ میلادی باز می‌گردد. این روزنامه‌ها نخست فقط در شهر نیویورک توزیع می‌شد، اما پس از مدتی در تمام شهرهای بزرگ شرق آمریکا توزیع گردید. در نخستین سال‌های قرن ۲۰، روزنامه‌های شهری یا منطقه‌ای پدیدار شد که اکثر مناطق ایالات متحده آمریکا را پوشش می‌داد. در دوران مهاجرت انبوه، روزنامه‌های بسیاری به زبان‌های خارجی در آمریکا منتشر گردید. در سال ۱۹۱۱، نود و هفت روزنامه به زبان آلمانی در شهرهای غربی و شمال شرق آمریکا منتشر می‌شد. نخستین روزنامه‌های معتبر نیویورک تایمز و

به میان آمدن ماشین چاپ روزنامه‌ها به میان آمده.

انواع رسانه‌ها:

۱- روزنامه‌ها

رسانه ایست که به صورت روزانه جدیدترین اخبار و اطلاعات را در حوزه‌های مختلف فرهنگی، هنری، ورزشی، سیاسی، اقتصادی به اقشار مختلف جامعه به صورت مکتوبی و یا چاپی ارائه می‌دارد. سابقه روزنامه در افغانستان به سال ۱۲۵۱ هـ. ش می‌رسد. اولین روزنامه در افغانستان به نام شمس النهار در زمان امیر شیر علی خان نشر شده است.

ویا روزنامه نشریه‌ای است که به طور مرتب و منظم تهیه، چاپ و پخش می‌شود و بی هیچ قید و شرطی در دسترس مردم قرار می‌گیرد. روزنامه نه بیانیه است و نه اطلاعیه



و برای روشن ساختن افکار مردم بلکه به نشر اخبار و اطلاعات در زمینه‌های گوناگون و انتقاد و صلاح‌اندیشی در امور عمومی می‌پردازد.

پیدایش روزنامه‌ها:

ژورنالیزم از دو واژه ترکیب یافته است (ژورنال) که یک کلمه ای فرانسوی است به معنای روزنامه، کتابی که یادداشت‌های روزمره در آن درج می‌شود و (ایزم) پسوندی است به معنای مکتب یا سیستم علمی.

تعریف ژورنالیزم:

ژورنالیزم یعنی گردآوری و پخش سیستماتیک اطلاعات و آگاهی‌های می‌باشد که ریشه در زمان داشته و متکی به تکنالوژی است. البته این فعالیت توسط رسانه‌های ارتباط جمعی صورت می‌گیرد.

دریک تعریف دیگر ژورنالیزم:

عبارت از موسسه یا انستیتوت اجتماعی، سیاسی است که توسط آن اخبار و یا اطلاعات جاری روز به سطح ملی و بین‌المللی جمع‌آوری گردیده که پس از تهیه و ترتیب جهت آگاهی‌گیرنده‌گان از طریق رسانه‌های ارتباط همه‌گانی پخش می‌شود.

رسانه چیست؟

رسانه‌های جمعی یا عمومی و به تعبیر دیگر وسایل ارتباط جمعی، واژه لاتین (Medium) که جمع آن (Media) می‌باشد. رسانه به معنی وسیله انتقال دهنده فرهنگ‌ها و افکار عمومی می‌باشد. مانند: روزنامه‌ها، مجلات، رادیو، تلویزیون، ماهواره، سینما، اینترنت، سی‌دی‌ها، ویدئوها و.....

رسانه‌های چاپی (روزنامه‌ها) تقریباً سابقه ۴۰۰ ساله داشته و با

استفاده از کد مورس بین کشتی‌ها و زمین بوده و اولین استفاده کننده‌ها شامل تفنگداران و ناوهای دریایی ژاپن و روسیه در طول جنگ تسوشیما در ۱۹۰۵ بوده‌است. یکی از استفاده‌های فراموش نشدنی از تلگراف‌های دریایی، به هنگام غرق شدن کشتی تایتانیک در سال ۱۹۱۲ است، که شامل ارتباط بین اپراتور روی کشتی در حال غرق و کشتی‌های نزدیک به آن و ارتباط با ساحل برای گزارش تجات یافتگان بوده‌است. رادیو برای انتقال دستورات و ارتباط بین نیروی ارتش و نیروی‌های دریایی در جنگ جهانی اول استفاده می‌شده، آلمان‌ها از ارتباط رادیویی برای پیغام‌های سیاسی زمانی که کپی‌های زیر دریا توسط بریتانیایی‌ها قطع می‌شد استفاده می‌کردند. ایالات متحده «اصول چهارده گانه» رئیس جمهور وقت «وودرو ویلسون» را از طریق رادیو در طول جنگ مخابره می‌کرد. برنامه‌های رادیویی از سال ۱۹۰۹ توسط «سن جوز» از کالیفرنیا شروع شد، و در سال ۱۹۲۰ عمومیت پیدا کرد، با کمک به رسمیت شناختن همه جانبه توسط گیرنده‌های رادیویی، به ویژه در اروپا و ایالات متحده. در کنار برنامه رادیویی، برنامه‌های زنده، شامل پیغام‌های تلفنی و اعلام پخش برنامه‌ها، در سال ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ همه گیر شد. دیگر استفاده‌های رادیو در سال‌های قبل از جنگ، توسعه دستگاه‌ها شناسایی هواپیماها و کشتی با کمک رادار بوده. امروزه، رادیو حالت‌های مختلفی دارد، شامل شبکه‌های بی سیم (یا وایرلس) و شبکه‌های موبایل، درست مانند برنامه‌های رادیویی. قبل از ظهور تلویزیون، برنامه‌های اقتصادی رادیویی فقط شامل اخبار و آهنگ بودند و شامل درام، کمدی، نمایشنامه‌های گوناگون و بسیاری دیگر از سرگرمی‌ها بوده‌است. رادیو برای پخش سخنرانی‌هایی که صرفاً صوتی بوده، منحصر به فرد بوده‌است.

بقیه صفحه (۴۲)

در میدان‌های الکترومقناطیس از میان هوا و خلاء گذر می‌کنند. اطلاعات با استفاده از روش‌های معین و از پیش تعیین شده و با تغییر بعضی از مشخصه‌های امواج منتشر شده، مانند دامنه، فرکانس، فاز یا پهنای پالس، جابجا می‌شوند. زمانی امواج رادیویی از رسانه ای الکتزیکی عبور می‌کند، میدان نوسانی یک جریان متناوب در رسانه ایجاد می‌کند. می‌توان این امواج را شناسایی و به صدا یا دیگر سیگنال‌ها ی حامل اطلاعات تبدیل کرد. هر سیستم رادیویی که برای ارتباطات



استفاده می‌شود عناصر و اجزاء زیر را دارا می‌باشد. با پیش از ۱۰۰ سال پیشرفت، هر فرآیند با شیوه‌های پهنای باز، که برای هدف‌های ارتباطی متفاوت اختصاص یافته بود، اجرا می‌شد. هر سیستم رادیویی شامل یک فرستنده‌است، که شامل یک منبع انرژی الکتزیکی، که جریان متناوب با فرکانس مطلوب تولید می‌کند، می‌باشد. فرکانس‌های رادیویی دامنه‌ای از چند ده هرتز گرفته تا ۳۰۰ گیگاهرتز را دارا می‌باشند، اگرچه کاربردهای مهم تجارتهای رادیو تنها از قسمت کوچکی از این طیف استفاده می‌کند. دیگر نوع‌های پرتوهای الکترومقناطیسی، با فرکانس‌های بالاتر از دامنه RF، پرتوهای ریز موج، مادون سرخ، نور مرئی، ماوراء بنفش، اشعه ایکس و اشعه گاما هستند. از آنجایی که انرژی یک فوتون برای خارج کردن یک الکترون از اتم بسیار کم است، امواج رادیویی جزء دسته تابش‌های غیر یونیزه کننده، طبقه بندی می‌شوند. از اولین کاربردهای رادیو، فرستادن پیغام‌ها برای ناوگان‌های دریایی، به صورت تلگراف با

لندن تایمز بودند. در دیگر کشورهای اروپایی، این دو روزنامه به عنوان الگو مورد توجه قرار می‌گرفتند. روزنامه‌های بخش ممتاز بازار تبدیل به نیروی سیاسی عمده‌ای شدند. در سال ۱۹۶۰ هر روز در انگلستان بیش از یک روزنامه به ازای هر خانواده به فروش می‌رسید؛ واژه «روزنامه» در متون کهن دری فارسی به کار رفته است و منظور از آن، بیان رویدادهای مهم درباره پادشاهان و شرح زندگانی وزیران و بزرگان بوده و در یک نسخه منتشر می‌شده‌است. نخستین روزنامه خاورمیانه در سال ۱۸۲۸ هم زمان با سلطنت محمدعلی پاشا در مصر منتشر شد و نامش «الوقایع المصریه» بود. سه سال پس از آن روزنامه‌ای ترکی به نام «تقویم وقایع» منتشر گردید و «کاغذ اخبار» (ترجمه کلمه Newspaper) است.

۲- مجلات

مجلات هم رسانه مکتوبی بوده که دارای صفحات بیشتر از روزنامه‌ها با اهداف خاص و از پیش تعیین شده است. یک مجله از ۲۰ صفحه تا بیشتر از ۳۰۰ صفحه می‌باشد. مجله‌ها معمولاً بر علاوه اخبار مطالب فرهنگی، ذوقی، ورزشی، هنری، اجتماعی را در برگه‌های خود نشر می‌کنند. و روی موضوعات جامعه مکت می‌کند. مجلات خواننده خود را ساعت‌ها مصروف نگه میدارد.

۳- رادیو

رادیو از جمله رسانه صوتی است که با امواج به انتقال مطالب می‌پردازد. رادیو در افغانستان به سال ۱۳۰۴ هـ.ش میرسد و در زمان امیر امان الله خان می‌باشد. رادیو به تخنیک گفته می‌شود که زنگال را از راه پیمانه‌ای کردن (مدولاسیون) موج‌های الکترومقناطیس ممکن می‌سازد. ارتباط رادیویی، مخابره سیگنال‌ها با استفاده از مدولاسیون کردن امواج الکترومقناطیس در فرکانس‌های پایین تر از نور مرئی است. پرتوهای الکترومقناطیس بوسیله نوسان سازی

د پښتونخوا په ادب کښي د چاربيتي مقام



شاعرانو کښي بادشاه گل استاد،
علي حيدر جوشي چي بابائي قيصه
هم ورته ونيلى شي، فيض الله
فيض، تاج محمد مومند، اختر منير
منير او داسي نور خکه د پښتو دا
صنف مخ په وړاندي روان دے.



اجمل خټک وائي:

چاربيته د پښتنو دخپل مزاج
او اولسي ژوند ډير ښه فنکارانه
اظهار دے د پښتو ادب نه که خدائي
مه کره چاربيته وولته نود دی

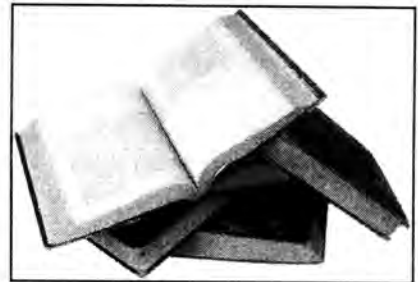
مقبوليت دی وجي نه اوس هم ډير

شاعران په چاربيتي کښي طبع
ازماني کوی. چاربيتي ته د جدید
دور نظم هم ونيلى شي. بادشاه گل

استاد وائي چي چاربيته د پښتنو
خپل صنف دے کوم اظهار چي په
چاربيته کښي کيدے شي هغه په بل
يوصنف کښي په ښه طريقه نشي
کيدلے د چاربيتي لمن ډيره ارته ده
د چاربيتي پريښودل د ژبي اوقام
نقصان دے يو متشرق ليکلی دی
چي په پښتو کښي ورځپاڼي نشته
خودورځپاڼو کار د پښتو چاربيته
ورکوی.

د چاربيتي ډير شاعران تير شوی
دی لکه امير اعظم نيکه، عبدالواحد
تيکه دار، احمد دين طالب، محبت
خان استاد او د چاربيتي پلار
نورالدين مرحوم په موجوده

هسي خو پښتو ژبي لمن د ډيرو
اصنافو نه ډکه ده لکه غزل،
رباعي، نظم، آزاد نظم، هائيکو،
ټپه، نيمکی، بدله، لوبه، سندرہ،
اصلاحی، تنقيدي کلام، نثر، تاريخ
طب، ارب او داسي نور په سوونو
اصناف دی چي تحقيق او خواری
غواری په دی ټولو اصنافو کښي
ټپه او چاربيته باندي فخر کوی
چاربيته کښي هر قسم ته فکر،
تاريخ او داوولس ژوند حالات او
واقعات شته او ولس د چاربيته
شاعران ډير خوبسوی د چاربيتي



د خدائي بخشلی احمددين طالب
رنگين كلام هم ډير مشهور دے
لکـــه وائـــی :

دکافورورنگ دی پوری کرو اوریل باندی
خوشیونی درخنی خیزی بی حسابہ
زر زری گنکران دی لگی یوپہ بل باندی

ملایان امیان دی وویستل دخوابہ
پہ نوي پیری کبني دچار بیٹی ډیر
بنه بنه شاعران شته دے که
شاعرانو سره څه نه څه مدد وشي
نودپستوژبی به نور هم مقام
لورشی په جنوبی تیمو کبني ډیر
بنه بنه لیکوال شاعران، ادیبان
اودانشوران شته دے خو دعدم
توجه په وجه هغوی گمنام ژوند
تیروی داویل کېدای شي چې ترڅو
پوری چې اولسی شاعران وی فی
البدیهه شاعران موجود وی دا ادب
به هم نوره په ترقی اوپرمختگ
وی په موجوده شاعرانو کبني تاج
محمد مومند ته هم اهم مقام حاصل
دے دهغوی زنجیری چار بیته ډیره
مشهوره ده لکه وائی:



ته چې اخر به خی وائی هر دم دم دم
ماته څله هر ساعت وائی چې خم خم خم
ته چې خی اخر به خی ته یار یاریار
څه موده به تیروم په زرگی غم غم غم

پاتی برخه (۳۶) ...



تیریوی ستاپه عشق کبني په ماڅومره زخومنه
مهین مخ دی سپین خال دی شین دایرو
دټولو نه لویه چار بیته چې ټیکدار
صیب پکبني څه دپاسه دوه نیم
سوه شاعران دانشوران یادگری
دی د عبدالواحد ټیکدار چار بیته
امیل ده چې تهیکدار صیب کتاب
په مخ ۱۴۴ باندی لیکل شوی ده
لکـــه وائـــی

حمزه دپنستو دغزل پلار غوندی دے
گوهر خکه دامن طلبگار غوندی دے
ملال په کوهاټو کبني میوه دار غوندی دے
گوهر خکه دامن طلبگار غوندی دے
بابامیر اعظم چې لکه خوان ناست دے
په سردلاچی والو څه دستار غوندی دے

لکه څه رنگ چې غزل دبنکلا او
جمالیات نه دک دے دا رنگ ته
چار بیتی هم دجمال نه دکي دی
غزل یو جدید صنف دے چار بیته
اگر چې زور صنف دے خو نوو
شاعرانو دی ته جدت ورکړے دے
او نوره ئی هم رنگینه کړي ده لکه
ز مــــا دا چار بیته

صنم دستاپه لوری
شوسپین می دواړه توری
زرگی می په درزا دے
په هیبت راغے ریبار
هیڅ نه راخی قرار
او یــــا دا چــــی

دووت دپاره کاروانو نه راغلو
هر یو فقیر ته سلامونه راغلو
ووت ته هر څوک ډیری زری کوی
نــــن
هر امیدوار ډیری خواری کوی نن
څوک مقابله چې په لاجی کوی نن
چې دوتونو نشانونه راغلو
هر یو فقیر ته سلامونه راغلو



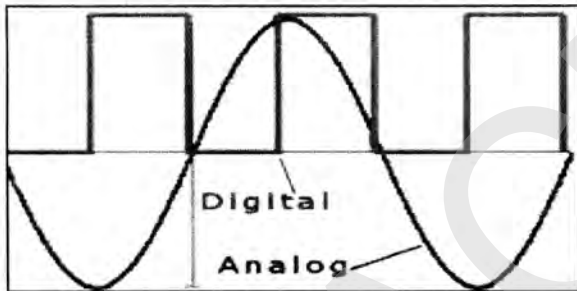
معنی به داوی چې دپنستو ادب او
اولسی ژوند تر مینځه به یو
خور او موثر پیوند ختم شی دابه
پنستنی اوولسی ژوند هم تاوان وی
اوپنستو ادب ته هم
په چار بیته کبني داسی رنگینی
دروح رنگ دولس د ژوند ژواک
عکاس کیری چې د مقناطیس په
شانی دولس زرو نه خائنه رابنکوی
په ریډیو اوکیستو کبني اوس هم
ولس د زرو او نوو شاعرانو
چار بیتی ډیر په مینه سره اوری
دچار بیتی ډیر قسمونه دی لکه
روانه چار بیته، اپوته چار بیته،
زنجیری چار بیته، مقطع چار بیته
اوداسی نورې چار بیتی چې
د عبدالواحد ټیکه دار چار بیتی چې
پنستو ادبی بورډ پینسور چاپ کړے
دے پکبني ذکر شته خودبادشاه
استاذ مطابق زنجیری چار بیته
داشان وی لکه دهغوی داچار بیته:

ریبار په هر ساعت مفت کوی ستادجمال
نری ، چواری شونوی سری نازنینی
ډیر خلق حیرانیری ستادحسن په کمال
نغری دی خواری په هزاری دل سنگینی
غمونه دی په ماباندی زیاتیری کال په کال
پاری شوگیری په تیاری کرم نه نی وینی

تئوری به سوی دیجیتال شدن The digital towards Afghanistan

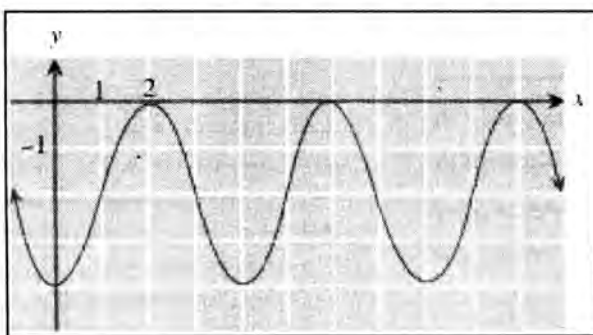


کاهش مربوطه در کیفیت تصویر را بسته به سطح فشرده سازی و همچنین وضوح تصویر منتقله است.



به این معنی که رسانه های دیجیتال می تواند کانال های دیجیتال در همان فضا، ارانه سرویس تلویزیون با کیفیت بلند، و یا با ارانه دیگر خدماتی از قبیل تلویزیون های چند رسانه ای است.

DTV همچنین اجازه می دهد تا خدمات ویژه (بیش از یک برنامه را بر روی همان کانال)، راهنمای برنامه الکترونیکی و زبان های اضافی (گفتاری یا زیرنویس) که فروش از خدمات تلویزیون است یک منبع درآمد اضافی ارانه می کنند.



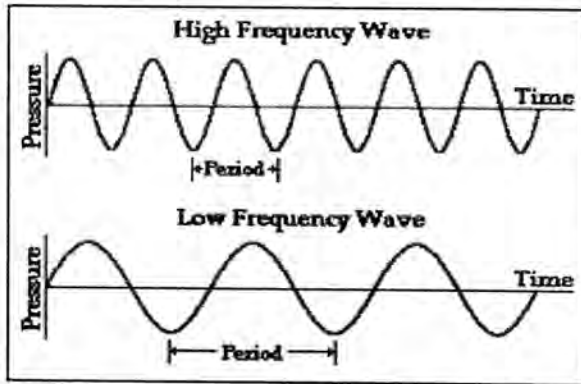
تلویزیون ملی افغانستان در اول حمل سال ۱۳۵۷ به نشرات امتحانی به کمک متخصصین و انجیران جاپانی به سیستم فارمت پال (Phase alternate by PAL (line) انالوگ آغاز کرد تا امروز دوام دارد. کشور جاپان صرف برای سنت یوهای مرکزی تلویزیون ملی افغانستان حاضر و تعهد نمود تا سیستم انالوگ قبلی را به سیستم پیشرفته دنیا که حتی تا هنوز در بسیاری از کشور های آسیایی رایج نگردیده است به کمک بدون باز پرداخت ۲۶ میلیون دالر مونتاز نماید و در سال ۱۳۸۲ سیستم قبلی انالوگ به دیجیتال بیتاکم تغییر و تبدیل شد.

Digital television (DTV) چیست ؟

سیگنال های تلویزیون دیجیتال که بیش از مجموعه ای از فرکانسی مورد استفاده پخش برنامه های تلویزیونی انالوگ منتقل می شود، اما به عوض آن از اجزای پیوسته انالوگ که حامل اطلاعات به ویدیو و صدا است، که به صفرویا یک (خاموش ویا روشن) شده که در آن سرعت به جریان بلند وجود دارد. این جریان ترکیبی از ویدیو ها و صوت های کود گذاری شده ویا (ON or OFF) است .

سیگنال دیجیتال DTV مزایای متعددی نسبت به تلویزیون انالوگ دارد موجودیت آن قابل توجه است که کانال های دیجیتال را تا پهنای باند کمتر، و نیازهای پهنای باند به طور مداوم متغیر، در

می‌شوند. کود گذاری منبع علم مطالعه روش‌های انجام این عمل برای منابع متفاوت اطلاعاتی موجود است. مانند هر ارتباطی، ارتباطات با اطلاعات فشرده، تنها زمانی کار می‌کند که هم فرستنده و هم گیرنده رادیو و تلویزیون اطلاعات روش رمز گذاری را بفهمند.



فریکونسی رادیویی (RF) :

در برنامه های تلویزیونی، RF به طور کلی پخش فریکونسی رادیویی نامیده می شود .

سیگنال آنالوگ Analog Signal :

یک سیگنال الکتریکی است که به طور مداوم در توان متفاوت و شکل موج سیگنال اصلی است و مخالف دیجیتال میباشد. از آنجا که پخش برنامه های تلویزیونی برای اولین بار امواج رادیو و تلویزیون در اواخر ۱۹۲۰، نمایش های تلویزیونی شده اند را از طریق هوا فرستاده می شود با استفاده از یک سیگنال آنالوگ است.

ثبت آنالوگ Analog Recording :

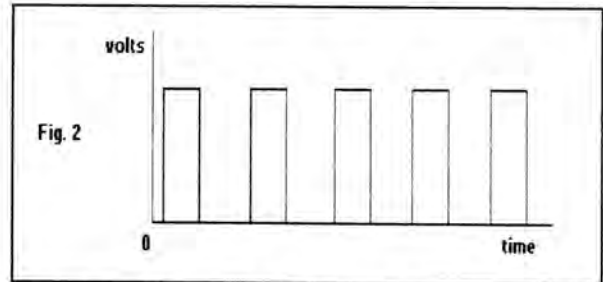
وسیله ای برای ثبت صدا و یا ویدئویی است که در آن سیگنال ثبت شده است حضور فیزیکی شکل موج سیگنال اصلی است. تفاوت بین آنالوگ و سیگنال های تلویزیونی دیجیتال روشی است که در آن اطلاعات کود گذاری شده است.

چند رسانه ای Multimedia :

به طور کلی چند رسانه ای به کمپیوتر های شخصی (PC) قادر به اشکال مختلف از روش های ارتباطی اطلاق می شود. تشکیل حداقل یک ترکیب صوتی استریو، ویدئو، متن و گرافیک، به همراه سیستم پیچیده تر شامل فکس و تلفن میباشد.

(ادامه دارد)

تلویزیون دیجیتال (DTV) کارآمدتر است نسبت به



آنالوگ، رسانه ها قادر به ارائه با بهبود کیفیت تصاویر و صدای فراگیرتر (ایمنی بیشتری به تصویر و صدا). ویدئو دیجیتال در مقابل آنالوگ ویدئو که با دیجیتلی شدن تصویر را به یک قاب پیکسل ۱- (Pixels) منتقل، و سپس کاهش تعداد بیت های مورد نیاز برای نشان دادن تصویر با استفاده از یک روش فشرده سازی شده توسط حرکت تصویر گروه کارشناسان شناخته شده به عنوان پیکسل (عنصر تصویر)

(Pixel) (Picture) element :

پیکسل (عنصر تصویر) کوچکترین عنصر بر روی سطح صفحه نمایش مانند صفحه نمایش های ویدئویی است که می تواند خصوصیت های مستقل به آن ها اختصاص شود.

فشرده سازی داده ها دیجیتلی Compression digital : data

MPEG (Moving Experts Group) -۲ :

Picture فرمت برای یک ویدئو را محکم فشرده و یا فایل تصویر میزان کمی از کیفیت (سیتم کامپیوتری) که از دست می دهد، ساخته شده است.

کود گذاری منبع روش های فشرده سازی یک منبع اطلاعات را مطالعه می کند. منابع اطلاعاتی طبیعی، مانند گفتار یا نوشته های، دارای افزونی یا اضافه کردن است. برای مثال در جمله «من به خانه ما برگشتم» ضمیر «ما» در جمله را می توان از جمله حذف نمود بدون اینکه از مفهوم مورد نظر جمله چیزی کاسته شود. این توضیح را می توان معادل با انجام عمل فشرده سازی روی اطلاعات یک منبع اطلاعات دانست؛ بنابراین منظور از فشرده سازی اطلاعات کاستن از حجم آن به نحوی است که محتوی آن دچار تغییر نامناسبی نشود.

فشرده سازی به دو دسته فشرده سازی اتلافی (فشرده سازی با اتلاف) و فشرده سازی بهترین (فشرده سازی بی اتلاف) اطلاعات تقسیم

مدقق پیاوری ویاند

در نولوستونکو! داواز مجلي په دی گڼه کی دلزباتی پیژندگلوی دپاره دپستو ژبی د یوخوان، پیاوری مستعد ویاند او دافغانستان دملي راډیو رییس، ترخایه چی لیدل کیږي ډیر مبتکر او هڅه کوونکی دی د راډیو یی خپرونو دلزباته مشریت له پاره دهیڅ ډول مرستی او لارښونی څخه ډډه نه کوی او دکارکوونکو سره په ورین تندی او دهمکاری دروحيی درلودلوسره خبری اتری کوی نو مور وپتيله چی دنوموری سره مرکه وکړو دهغه دکاراو کرنو سره گران لوستونکی لابسه آشنا یی پیداکړی چی دادی تاسی یی لوستلوته رابولو.

ښاغلي مدقق دخپلی پیژندنی په اړه داسی وویل: عبدالغنی مدقق د غلام جیلانی مدقق زوی یم. په قوم مومند په ۱۳۴۹ کال کی د لوگر ولایت د پادخواب شانی د درویش کاریز په کلی کی په یوه منوری او روښان فکره کورنی کی سترگی نری ته پرانیستی دی.

نوموری دخپلی زده کړی په اړه وویل: له لومړی تر څلورم ټولگی پوری د لوگر ولایت د پادخواب شانی په منځنی ښوونځی له پنځم تر اووم ټولگی پوری یی د خوست ولایت په لیسه کی او له اتم تر دولسم ټولگی پوری د انصاری په عالی لیسه پایته رسولی دی.

عبدالغنی مدقق د کابل پوهنتون د ژورنالیزم په پوهنځی کی د راډیو تلویزیون له څانگی څخه فارغ شویدی پنځلس کاله کیږی چی په ملی راډیو تلویزیون کی د راډیو او



تلویزیون په پښتو برخه کی د ویاند په توگه کار کوی.

ددریو کلونو لپاره یی په صبح بخیر افغانستان خپرونه کی د ویاند راپورتر او چلوونکی په توگه کار کړی دی وروسته د ملی راډیو د اطلاعاتو مدیر، د ملی راډیو تلویزیون د نطقانو لوی مدیر، ددوه کلونو لپاره د آریانا راډیو تلویزیونی شبکی د خبرونو د څانگی د مدیر او له پنځو کلونو را هیسی د افغانستان د ملی راډیو دنشراتو رییس په توگه دنده ترسره کوی.

ښاغلي مدقق د یو ښه ویاند د خصوصیاتو په اړه وویل:

یو ویاند باید ښه غږ، ښه څیره او کافی سواد ولری، تل مطالعه وکړی، آفاقی معلومات ولری، په راډیو او تلویزیون کی چی کوم متن لولی اویا خبرونه وایی په ډیر دقت سره هغه ته پاملرنه وکړی او پری حاکم وی، دخپلو لیدونکو او اوریدونکو درناوی وساتی.

یو ویاند کله چی په راډیو او تلویزیون کی خبرلولی، له لیدونکو او اوریدونکو سره باید ډیر صمیمی او خپل احساسات په کی دخپل نه کړی، ځکه چی خبر یوامانت دی دهغه په رسولو کی باید له ډیر دقت څخه کارواخیستل شی.

محمد اسماعیل فضل دایرکٹر مستعد برنامه های تلویزیون ملی



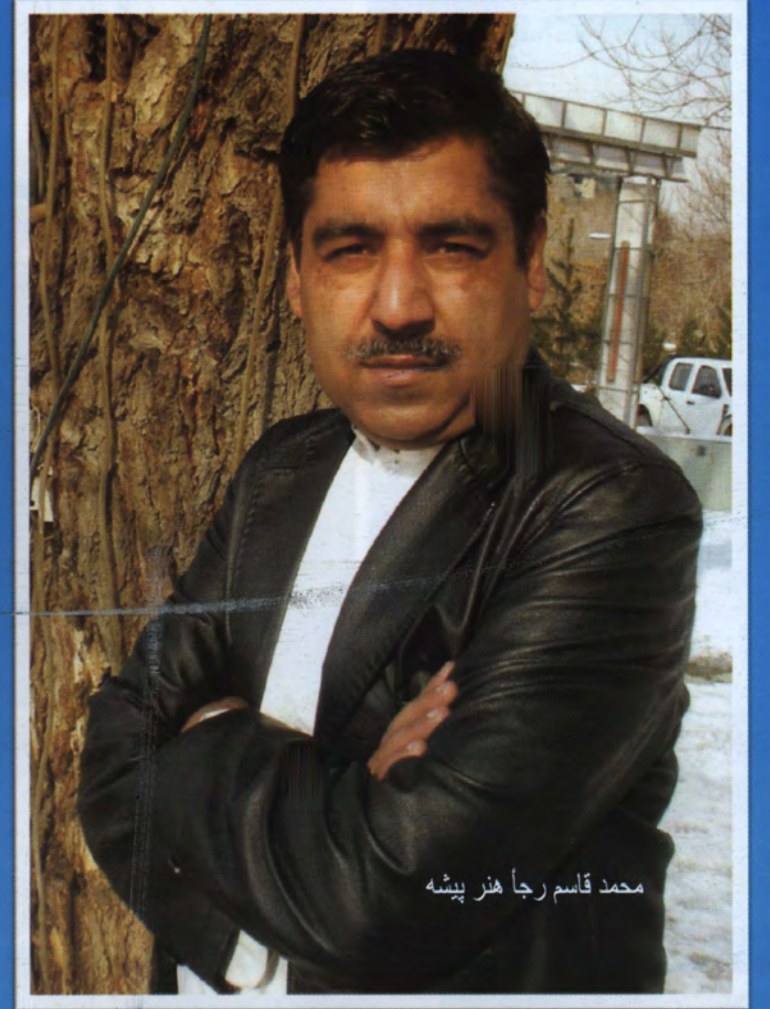
احمد شعیب صدیقی گوینده

24 7:26PM

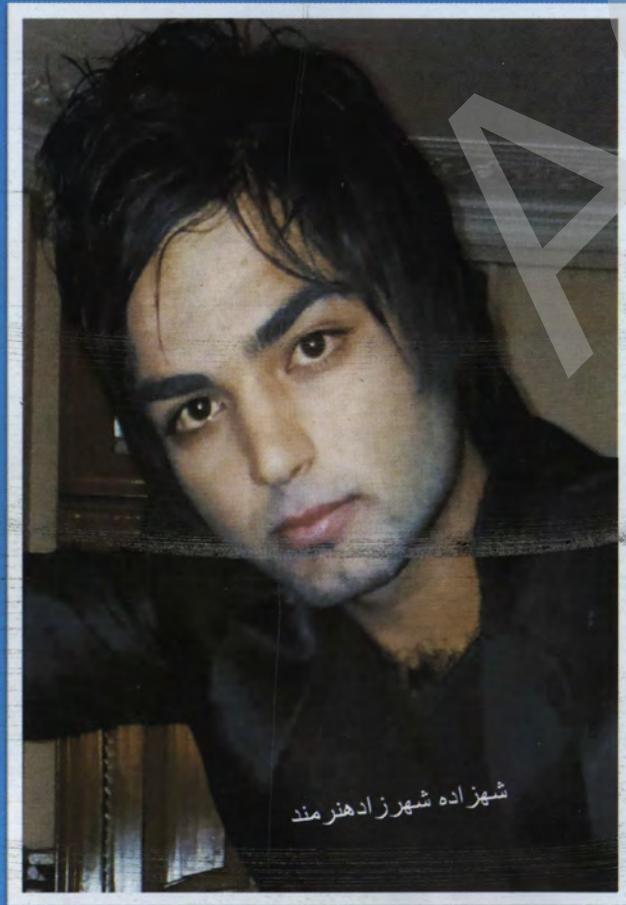


نگیستا گوینده

البيوم هنرى



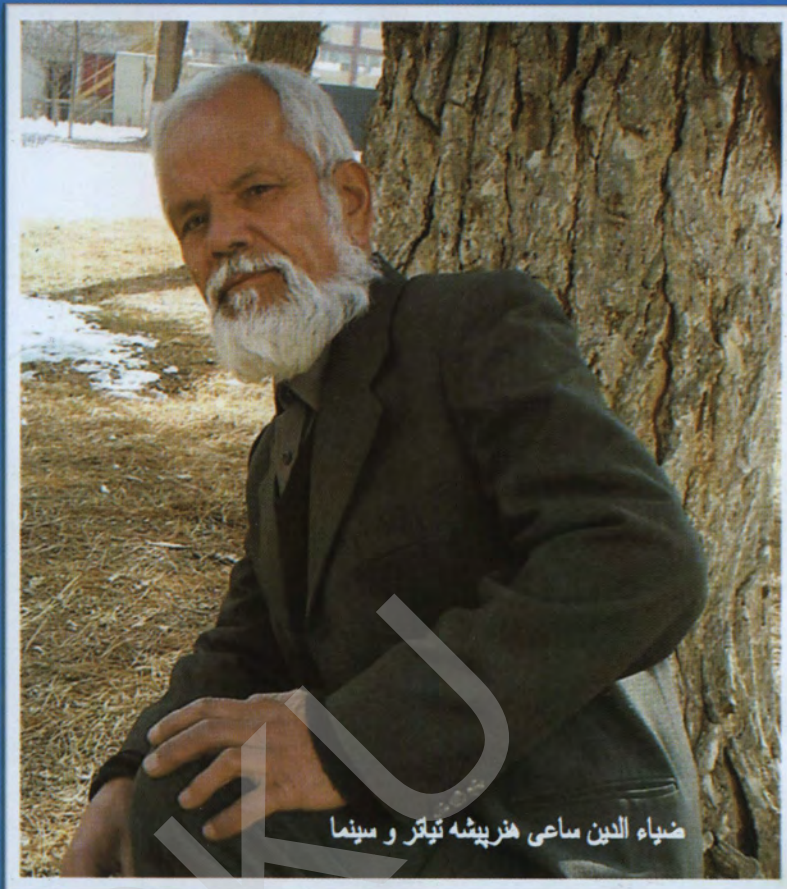
محمد قاسم رجا هنر پيشه



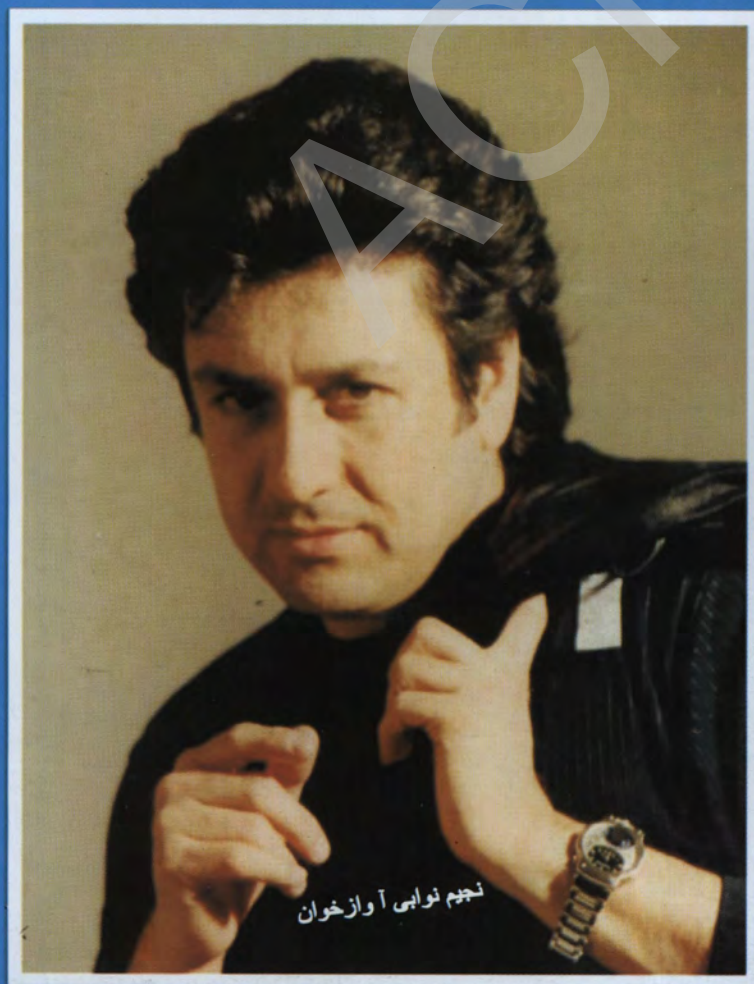
شهزاده شهرزاد هنر مند



شکيب سوزان آوازخوان



ضياء الدين ماعى هنريشه تيگتر و مينما



نجيم نوابي آوازخوان

صفحه شعر



پوښتنه

زړونه

ماتيري

خو

بی غره

ولی؟

اجمل تورمان

نا برابری ها

این چه وضعیت که هر شام و سحر می بینم
یکی را شاد و دیگر دیده ی تر می بینم
یکی از فقر بود فاقه و رنجور و ملول
و آن دیگر را بکفش کیسه ی زر می بینم
آی و بنگر توبه بازار غریبان دیار
که چه افسرده به هر راه و گذر می بینم
بر سری سفره ی مسکین نبود طعمه ء شام
بر سری خوان غنی شیر و شکر می بینم
آن یکی غمزده در کلبه ء تاریک و خموش
و آن دگر را سر حال و به چکر می بینم
ای (عزیزه) نشوی فارغ از اندوه غریب
زانکه هر دم، بدتر از روز دگر می بینم

عزیزه عنایت

ترمی اوبنکی

دتـوـري شپي زړه کي
دمپن بي خو به سترگي
له ډيوې سره لـوـبـيري
دکمزورو وړانگو رنگ يي
په ژبر مخ باندي پرپوتی
او ديار په بېلتانه کي
په سره اور باندي سوخپري
ستي شوی پتنگ گورئ
د ډيوې داور په خواکي
له دي اوره ترمي اوبنکي
څه روښانه

رابهيري

عبدالغني

بنایسته تصویر

خومره بنایسته دی ستا تصویر جانانه
زه دی مریدیم ته می پیر جانانه
زما د ذهن حافظه کی ته پی
په هریوخیال په هر تدبیر جانانه
ستا د پښتو او د دری نه قربان
ژبه دی دپیر لری تاثیر جانانه
ببگاه می ستا وصال په خوب لیدلای
راکه ددی خوب می تعبیر جانانه
دلته دپیر خلک دی چی داسی وایی
میننه گناه میننه تقصیر جانانه
راخه دمینی لاری مه بدلوه
په خپله لار په خپل مسیر جانانه
ستا (احسانمند) خوبی ضمیر نه دی
ورسره مل پښتون ضمیر جانانه

سردار شاه احسانمند



تولد خورشید

شب است و باز دل من بهانه میگیرد
غمی غریب دلم را نشانه میگیرد
هوای دیدن تو ای تولد خورشید
تمام هستی من را شبانه میگیرد
بسیط خاطر من وقف یاد های تو باد
که از حضور تو چشم ترانه میگیرد
فضای آبی بودن ز نام تو لبریز
ز تو درخت امیدم جوانه میگیرد
اسیر چشم تو هستم فضای بودن من!
بیا که بی تو دلم از زمانه میگیرد
رها مکن تو مرا ای بشارت خورشید
که شب وجود مرا جاودانه میگیرد
اگر صدا نکنی سوی خویشتن باز
سکوت شهر مرا ظالمانه میگیرد
مرا به نام بخوان از نهایت از معراج
که شعرم از تو دم عاشقانه میگیرد
کجایی ای همه امید من نهان در تو
دلم برای صدایت بهانه میگیرد
حمیرانگهت



آیت مهر

گفتم از استوره ی چشمان تو
از فروغ روشن و تابان تو
نامه انشاء کنم بر شهر شب
بر درد و هم شب ام مژگان تو
کاش ریزد برتن بی بار من
بر زمین خشک من باران تو
یک به یک ستاره ها ناچیده ماند
تافشانم جمله بردامان تو
هست من، بودم، نهادم، عشق من
هدیتی از لطف بی پایان تو
من اسیر دردم و درمان تویی
کی رهاند دردم از درمان تو؟
هیچ میدانی که از آوار غم
می کشند هر دم مرا هجران تو؟
باز خوانم آیت مهر ترا
باز گویم قصه ی چشمان تو
عزیز الله آریاقر



صفحه شعر

اوج نگاه

ز سطح اوج نگاهش ستاره می ریزد
جرقه وار طلا زین شراره می ریزد
به فال خوش بنشسته به فرش نرم خیال
نقوش تازه ی نیک استخاره می ریزد
بیا به سبز ترین لحظه های فصل خیال
به گوش خاطر یک تا غزل ترانه بخوان
بیا به جوجه ی مرغ نو آفرین بهار
در آشیانه نوا های آب و دانه بخوان
صدای خش خش پای غریب دهگان بین
بیا به ساز بهاران، و از جوانه بخوان
گرم به حاشیه ی کهکشان سبقت داری
ز دور دور بیا یک سبقت به خانه بخوان
به آفتاب و فضا گو بیاصحیفه ی عشق
برای عاشق کم مهر این زمانه بخوان
میرظهورالدین شهیر



گوهر نشسته

هم هغسی چه خندا کبني هنر نشسته
په ژرا کبني هم له سره اثر نشسته
که دی غاره لکه غرو نیسی هسکه
په نیلی تیغ دافق کبني گوهر نشسته
تل بی خلک په خاورین ستورو غولیدلی
دآسمان په شین دریاب کبني گوهر نشسته
دژوندون نه به کوم خوب پریشان نه وی
د دنیانه ناراحتہ بستر نشسته
داچه خاوری شوم دمینی لار کبني بڼه دی
خود چا خما په خاوری گذر نشسته
داخبر به خوک خما نه یارته ویسی
چه بیلتون کبني می له خانه خبر شته
زه پژواک یم په پیچومو کبني لوی شوی
داچه چپ یم دلته غراو کمر نشسته
عبدالرحمن پژواک



دانشنا رنگ

دژوندون په مناروچه، چه هسک ولاړیم ښکته گورم
دافق د کنارو نه، چه په خیال کبني آخواښورم
د دوام لوی سمندروی، زما وړاندی غزېدلی
د سپورمی په پلوشو کبني، یو جهان وی بهېدلی
رنگارنگی رنگینی وی رنگ په رنگ وی غورېدلی
که د عشق په کلگون وینو، کبني ښایست وی لمبیدلی
په فانوس دهر حباب کبني، دامید دیوی بلېری
ددی بحر هر گرداب کبني، تقدیر ونه دی گډېری
ایاز داودی



شناسایی کارمندان رادیو تلویزیون ملی



سید آقا ضیا یک تن از کارمندان با تجربه و مستعد تلویزیون ملی افغانستان است که در شهر کابل دیده به جهان گشود، دروس ابتدایی را در مکتب استاد بیتاب و عالی را در لیسه عالی انصاری به اتمام رسانیده است. پس از به اتمام رسانیدن دوره خدمت عسکری در سال ۱۳۵۸ در ریاست عمومی رادیو تلویزیون ملی افغانستان در ریاست اداری مقرر و سه سال را در بخش اداری انجام وظیفه نموده. سپس نظریه استعداد و لیاقت، موصوف در بخش نشرات تلویزیون به حیث تهیه کننده و کارگردان برنامه های تلویزیونی اداره سینمایی توظیف شد و ۲۷ سال در همین اداره مصروف تهیه و پیشکش برنامه های هنری برای بیننده گان است. سید آقاضیا کارمند خوش برخورد صمیمی و فعال است. موفقیت و صحتمندی برایشان خواهانیم.



ناصر شاه سرحدی د حسن شاه زوي په ۱۳۳۷ هـ.ش کال دننگر هارولایت دروداتو ولسوالی دحصار شاهي داحداپه کلی کی زیربلی دی.

په ۱۳۴۳ هـ.ش کی دحصار شاهي په لومړنی ښونځي کی شامل اوپه ۱۳۵۵ هـ.ش کال کی دهمدی لیسي څخه په دریمه درجه فارغ شو اوپه ۱۳۵۶ هـ.ش دکابل پوهنتون دکانکورپه آزمونو کی دادبیاتو اوبشري علومو دپوهنځي دژورنالیزم په څانگه کی خپلولورو زده کړوته دوام ورکړ په (۱۳۵۹) هـ.ش کال کی دژورنالیزم دڅانگی څخه فارغ شو. دعسکري مکلفیت دوره یي په هوایي اومدافعه هوایي قواوکی سرته ورسولی په ۱۳۸۶ هـ.ش کال کی دهیواد په تاریخی ورځپاڼه کی د خبرنگار اووروسته په همدی ورځپاڼی کی دنړیوالوچاروپه څانگه کی په خپل کار پیل وکړ.

ناصر شاه سرحدی دیوی لنډی مودی لپاره د ادب او فرهنگ په ریاست کی دجوایزودامر او ترڅنگ یي ددی ریاست د فرهنگ مردم د مجلی دلیکوال په توگه پاتی شوی اوپه ۱۳۸۶ هـ.ش کال کی دافغانستان دملي رادیو تلویزیون درادیو د روزنی په اداره کی دکورنی ژوند اوملی یووالی دخپرونولیکوال اوبیا د صوتی رسنیو په څانگه کی د داخلی اونړیوالو رادیو گانو دخپرونو په اداره کی دنده ترسره کړی او دهېواد په بیلابیلو ورځپاڼو او مجلو کی لکه: پیام، اصلاح، آرمان ملي، اراده، پامیر، شگوفه مجله، اعمار صلح دژورنالیت او لیکوال په توگه کار ترسره کړی دی.

ناصر شاه سر حدی د خپلو ژور نالیستیکی دند و په بهیر کی، هندوستان او تاجکستان هېوادونو ته سفر کړیدی. په ۱۳۸۱ هـ.ش کال کی د هندوستان د (I.I.M.C) سراسری انستیتوت ترڅنگ یي د B.B.C دنړیوالو رادیو لخوا تصدیق نامی ترلاسه کړیدی.

ناصر شاه سر حدی اوس مهال د ملي رادیو تلویزیون درادیو د اطلاعاتو په څانگه کی د جام جم د خپرونی دجوړه ونکی او خبرونو چاری پرمخ وړی.



عبدالمحبوب احمدی فرزند عبدالرزاق دریک خانواده روشنفکر شهر کابل چشم به جهان گشود در سال ۱۳۵۱ شامل مکتب شاه ولی خان شدو دوره ابتدایه را الی صنف هشتم با اخذ درجه اول نمره عمومی سال ۱۳۵۸ همان مکتب به پایان رسانید و در سال ۱۳۵۹ پس از سپری نمودن امتحان کانکور شامل لیسه تخنیک ثانوی در رشته برق شد پس از چهار سال تحصیل با اخذ درجه عالی لیسه را به پایان رسانید. و پس از تحصیل به خدمت عسکری رفت در سال ۱۳۶۷ در ریاست تخنیکی رادیو در مدیریت ماستر کنترول به حیث عضو مقرر شد و در سال ۱۳۶۹ به حیث مدیر مانورنگ و در سال ۱۳۸۸ حسب لزوم دید اداره به حیث مدیر نشر برنامه های رادیو توظیف شد . آقای احمدی به دریافت تقدیر نامه های درجه اول ، دوم و سوم نایل گردیده است و همچنان طبق لزوم دید اداره به کورس های کوتاه مدت در بخش های تخنیکی به کشورهای مالیزیا، هندو دوی سفر کرده است. همیشه وظایف محوله را به وجه احسن و روحیه وطن پرستی

و اخلاص به انجام رسانیده و در قسمت ترمیم B.T.T نشرات و در کمپیوتر ایز نمودن نشرات رادیو افغانستان رول بارز و سهم فعال داشته . در ماه اسد سال روان پس از سپری نمودن امتحان رقابتی پروسه تطبیق رتب معاشات در بست ۴ مدیریت عمومی نشر برنامه های رادیو موفق گردیده اکنون در آن بست مصروف اجرای وظیفه می باشد . موفقیت برای شان خواهانیم .



محمد یوسف عالمی ژورنالیست ورزیده و کارمند فعال و مستعد تلویزیون ملی در حومه شهر کابل دریک خانواده روشنفکر و متدین چشم به جهان گشود تحصیلات ابتدایه را در مکتب خواجه مسافر و لیسوالی پغمان و عالی را



در لیسه غازی به اتمام رسانیده است . پس از سپری نمودن امتحان کانکور در ریویون خلی ژورنالیزم پوهنتون کابل رشته رادیو تلویزیون موفق و پس از چهار سال تحصیل دیپلوم فراغت را حاصل و در سال ۱۳۸۰ به ریاست تلویزیون ملی به طور رسمی مقرر شد. در ابتدا تهیه کننده برنامه کودک ، اطفال ، آینده سازان و میله بود اکنون دایر کتر برنامه تندرستی است .

محمد یوسف عالمی کورس های رهنمودی ژورنالیزم نوین ، اداره و منجمنت، برنامه سازی و حقوق را در B.B.C ، کشور هالند، جامعه مدنی و حقوق بشر تعقیب و تصدیق نامه ها را به دست آورده است. آقای عالمی شخص متدین است با همکاران و رهبری اداره سلوک نیک داشته و همواره برنامه را با شایسته گی تهیه و پیشکش میدارد موفقیت برای شان آرزو داریم.

مرکه کونکي: عزيزه احمدی

د شپږم حس فعالېدل او د څلورم بعد ليدل دي او د ذکر او فکر مراقبه او شهود په مرسته د عالم قدس ته پرواز دی او محمدي تعريف يی اخلاق دي.

سوال: ډير خلک وايي، چي صوفي د ټولنی د وگړيو ترمنځ نشي اوسېدلی او گوښی خوښ وي خوله بل لوري انسان ټولنيز مخلوق دی پرده دټولنی ټول اوپه ځانگړی توگه دکورنی غړي حق لري، چي ورسره ناسته پاسته وکړي، هغو ته مينه ورکړي، دهغوله مينی خونداخلي يانی هغه حق، چي ټولنه يی پرده (صوفي) يا نورو وگړو لري هغه بايد ور پوره کړي . مطلب دادی که صوفي تنهاو اوسي ،نوايا له ټولنی په ځانگړی توگه له هغوخلکو سره چي ده ته اړتيا لري ،نو ورسره به يي ظلم نه وي کړی؟ دايودول ځان غوښتنه ته ده؟

غزنوي: داسلام له پيله ترننه عرفان اوصوفيان په ټولودونيوو کارونو کی په خاصه توگه په جهادکي دخلکو دذهنونو او د زرونوپه روښانه کولوکی ستره ونده اخیستی ده. دپبلگي په توگه داصحابي صفة نه شروع تر علامه اقبال اوپير روښانه پوری او په منځنی اسيا کی د نقشبندي صوفيانو تر جهاد او مجاهدت پوری اودافغانستان په جهاد پير گيلاني او حضرت مجددي دهجادي بيلگی اونقشبندي طريقت هغه مهم اصل (چي خلوت درانجمن دي) لاس په کار او زره ديارسره (الله ج) .

سوال: ايايوصوفي دين لري؟ مطلب داچي دی دکوم ځانگړي دين پيرو وي اوکه نه؟ که ددين



تصوف په اړه معلومات ورکړی دپره مهربانی به دي وي.

غزنوي : عرفان اوتصوف مترادفي کليمي دي. فرهنگيان ورته عرفان او عام ولس ورته تصوف وايي اوتعريف يي عبارت دی ، چي عرفان او تصوف د انساني وجود د کتاب د الفبا زده کړه، د حق پيژندل او حقيقت ته رسېدلو ته وايي .يا په بل عبارت

عبدالباقي هيله من غزنوي دهېواد تکړه ليکوال شاعر او ژورناليست دی چي په خپله کاري برخه کی يي له خانه په خای نوښتونه اولاسته راورنی لرلی دي .

داواز مجلی اداره غوره وبلله چي له ښاغلي هيله من سره د عرفان په هکله مرکه وکړي:

سوال : ښاغلی غزنوي ،که داواز مجلی درنولوستونکو ته د عرفان او



پیری کی به د صوفی ژوند ته خلک په کومه سترگه گوري؟
غزنوي صيب: عارف له شروع نه په همداسې يوه نړۍ کې ژوند کوي او قران شريف هم داوایي چې په اخره کې به ټول خلک په يوه عقیده اوپوډين شي خو باید دا زیاته کړم چې عرفان یو عارفانه ژوند ته وایي او په عارفانه ژوند کې لاندې اصول خای لري:

- ۱: په عاشقانه توگه دخدای (ج) عبادت کول
- ۲: تواضع
- ۳: انسان او د خدای (ج) دټولو مخلوقاتو سره مینه
- ۴: د نورو عقایدو ته احترام
- ۵: سخاوت
- ۶: اخلاص او صداقت

غزنوي صيب، کورموودان چې ماته مو وخت راکړ چې خپلي پوښتنې درسره شریکي کړم. ستاسونه هم مننه، کورمو ودان، زه هم خپلي خبرې دلوي صوفي او دپښتو عرفاني ادبیاتو سالار شاعر عبدالرحمن بابا د شعر په یوه بیت سره بشپروم چې وایي:

چې په عشق کې دمجنون غوندې صادق وي
رحمان وایي په هغسوي باندې سلام.

چې رضایی په قضا د الهی ور کړی ده او اکثر عرفا عاشق دي او په خپل عشق کې دوب دي نه غم پیژني او نه بنادي نه سترتیا او نه ارامي او امام غزالي (رح) وایي چې هر عاشق عارف دي او پیرروښان دتصوف په څلورمقامونه کې چې عبارت دي له شریعت، طریقت، حقیقت او معرفت څخه یو بل مقام یې هم ورزیات کړی دی چې عبارت دی له سکونت څخه چې دغه مقام دنفس مطمین کېدل دي او دعارفانه ژوند قلبی سکون او د زړه ارام کېدل بڼیې او دامن ژوندانسان ته وزپه برخه کوي.

سوال: که ووایست چې په یوو یستمه پیری کې اټکل کېږي چې



علم به دومره پرمختگ وکړي چې یو انسان به دي بل په اړه پوهیږي چې یو د بل په اړه څه فکر کوي؟ همداسې ټول دینونه به یو شي او هغه غوره او طبعی دین به پایښت ومومي چې د خلکو اړتیا وي پکې پوره شوي، او په فکري لحاظ یې دخلکوپوښتوته خواب ویلی وي، یانې دیوه دین پیروان به خپل دین دعادت او دودله مخې نه بلکې له فکر او ارزوني وروسته مني په دی

پیررو وي نودنري دنورو ادیانو وگړو او اصولو ته په کومه سترگه گوري؟

غزنوي صيب: صوفیان په لویه کې په دوه ډوله وېشل شوي دي. دین سالار او انسان سالار خو دواړه د دین خاوندان دي اما د نورو ادیانو او دخلکو عقایدو ته احترام لري ددوي په دین کې تعصب، ریا او تهجر خای نه لري عرفان دادیانو او تمدنونوترمنځ دپله حیثیت لري خو په خاصه توگه دوي الله (ج) ته نژدې کېدل غواړي هغه هم د مینې او عشق په وجه او دا اصل د ټولو ادیانو څخه پورته گڼي.

سوال: دیوه فلسفي، عارف او صوفي ترمنځ تاسو څه توپیریږي؟

غزنوي صيب: فیلسوف دڅیړنې په حال کې دی او عارف یا صوفي خپل ورک شوی شی موندلی بقین او مقصد ته رسیدلی دی.

سوال: گوری ما ته خو په خپله ژوند د متضاد و پدیدو (غم او خوښۍ، ستړیا او

هوساینې جنگ او ارامی خوښت، او سکوت) او داسې نورو شیانو یوه ټولگه ده خان مې ځکه مثال راوړ ځکه زه چې څومره خوند له خوښۍ اخلم هغومره بیا راته ستړیا کې هم وي او کله چې مې ژوند په یوه ارزښت روان وي نو بیخي خوند نه راکوي او ذهني فشار لاندې هم راحم که را ته ووایست چې یوه صوفي ته ژوند یانې څه؟

غزنوي صيب: ابوعلی سینا بلخي وایي چې عارف تل خوشحاله ورین تندې لري ځکه

موسیقی هزاره گی

عبدالخالق تنها

میدهد. آهنگ ایکه اسماعیل با رجب دوگانه سروده اند بسیار طرز



مقبول و دلپسند است (یارگلی جانم گلی آرام جانم یار گلی او نباشی یکدمی بیتو نماتم یارگلی ...) و این مطلع آهنگ است و در آخر دوبیتی های دیگری که به طرز خاص خوانده می شود همین انتره تکرار می شود.

خوبی دیگر آهنگ های هزاره گی در این است که این سروده ها دست نخورده و سوچه است و به همان شکل بومی و آغازین خود باقیمانده است زیرا اکثر آهنگ های فلکلوریک افغانی به شکل جدید

موسیقی آنقدر رشد نکرده است و منوط و محدود به همان کوه پایه های بلند و شامخ هزاره جات است.

موسیقی هزاره گی یک سبک مخصوص است و اما به احتمال قریب به یقین این سبک و شیوه از موسیقی قطغن زمین جدا شده زیرا در این موسیقی از دنبوره و غیچک استفاده می شود تال های آن تالی مغلی است که این تال ها در موسیقی قطغنی هم مورد استفاده می باشد. موسیقی هزاره گی طوری است که نوازنده در عین حال سراینده هم است آهنگ خود را با دنبوره به تنهایی یا با غیچک یکجایی با زیر بغلی یا بدون زیر بغلی می سراید.

هنرمندان هزاره جات معمولاً آهنگ های خود را در کوهپایه های بلند هزاره جات می سرایند و مواد آهنگ های شان را دوبیتی های خالص محلی هزاره گی تشکیل

موسیقی هزاره گی یکی از موسیقی های محلی و فلکلوریک مردم هزاره جات است.

هزاره جات به همان مناطقی اطلاق میشود که در همجواری یکدیگر بوده در عنعنات، کلتور، فرهنگ



، رسوم و رواج ها با هم وجه مشترک دارند سابق مناطق هزاره جات را غرجستان می گفتند و معلوم است که غرجستان معنی ومفهوم کوه، دره سنگلاخ را افاده میکند. راه های این مناطق صعب العبور است و موسیقی آن مناطق یک گونه خاص را به خود دارد نسبت صعب العبور بودن راه ها این

بازخوانی شده است که آن کیفیت اولی خود را ندارد هرچندی که آهنگ های هزاره گی هم به اندازه کم به واسطه هنرمندان دیگر باز خوانی می شود مگر اصالت آهنگ ها به جای خود باقی مانده است و به اصل آهنگ کدام صدمه نرسیده است. بسا آهنگ های فلکلوریک شهری شده است و یک نکته موجود است که به علت خاص بودن و منحصر به فرد بودن زبان هزاره گی در کشور ما این موسیقی را هنرمندان دیگر تقلید کرده نمیتوانند و اگر تقلید هم کنند واژه ها و تکلم اصطلاحات این زبان را اداء کرده نمیتوانند. آهنگ های هزاره گی آیینیه تمام نمای فرهنگ اصیل کشور عزیز ما است زیرا انواع زبان، فرهنگ و رسوم



دربین ملیت های مختلف کشور دلالت به این مطلب می نماید که افغانستان جایگاه هنر و موسیقی است و جایگاه موسیقی اصیل افغانی کوه ها و صحراهای آریانای قدیم خراسان اسلامی بوده است به دور نیست که مناطق همجوار غرجهستان در چگونگی ساختار موسیقی هزاره گی از نگاه طرز و شیوه و سبک نیدخل نبوده باشد.

در آهنگ های هزاره گی اگر دقیق شویم میتوانیم به فرهنگ و عنعنات خاص قبایل و اقوام نیز در مناطق مختلف پی ببریم هرچند که فرهنگ هادر منطقه مالمستان و هزاره جات در یک نقطه تقاطع می نماید و به یک اصل منتهی می شوند که عبارت از فرهنگ مردم هزاره جات است مثلاً "در آهنگ (یگک یاری که دارم شیخ علی یه - سرو گردن به مانند پری یه خورترکه، میده گکه پس خوتو خویبکی داره) می رساند که چهره یک دو شیزه هزاره گی بدوی و یک پسر هزاره گی بدوی در حالیکه او را در کوهستان های با میان، دایکندی، شیخعلی، سرخ پارسا و غیره در ذهن خود تصویر و ترسیم می کند چگونه بوده و گرایش های محلی و دهاتی اصیل این مردم از چه قماش است. داود سز خوش در آهنگ هزاره گی خود چقدر زیبا سروده است:

(تو آمدی بالای بام مه او مدم ته بام هر دوی ماجوره می شینم جره جو) و این می رساند که خانه های بیلاقی در دهکده های هزاره جات از گونه است که بام ها پهلوی هم قرار دارد و خانه ها به همدیگر متصل هستند و عاشق دهاتی درین آهنگ معشوقه خود را در بام پهلوی خانه شان جستجوی نماید احتمالاً این معشوقه همسایه عاشق بوده باشد یا داود سرخوش در یک آهنگ دیگر خود می سراید: (دو باره خون به رگ هایم دو یده که نامه از کابل رسیده صفورا جوان گشته قد کشیده) این مفاهیم و تعبیرات یک فضای ملیح و طبیعی روستایی را به

تصویر می کشد و اصالت فرهنگ و غنای موسیقی افغانی را به نحوی از انحا متجلی می سازد و می نمایاند که ما دارای ارزش های قومی فرهنگی هستیم مگر ما به ارزش شان کم تر واقف هستیم ما به چیزهای که خود مان داریم کمتر ارزش و قیمت میدهم بهتر است تا هنر اصیل موسیقی هزاره گی از طرف بنیاد ها و نهاد ها حمایت شود و زیبایی های این موسیقی زیبا و طبیعی کوهپایه های وطن ما به نمایش گذاشته شود موسیقی هزاره گی آنقدر زیبایی دارد که حتی زمانیکه هنرمندان ملیت هزاره ماروی صحنه میایند و دنبوره را به دست می گیرند، همه از دل و جان به این آهنگ ها گوش فرامیدهند درین نوع آهنگ و موسیقی یک جذابیت و یک کشش خاص احساس میشود طوری که با شنیدن این نوع موسیقی انسان احساس آرامش مینماید و این می نمایاند که آنچه طبیعی و زیبا است بهر شکلی که باشد پذیرفتنی است مادر کشور خود ذخایر فراوان هنری داریم مگر به ارزش و قیمت آن نمیدانیم آهنگ های نورستانی، پشه ای، بلوچی، ازبکی، ترکمنی هر کدام از ارزشمندی خاص برخوردار بوده و کثرت فرهنگ هارا در کشور عزیز ما ارایه میدارد و این هادر حقیقت موسیقی های هستند که غنامندی هنری ما را تشکیل میدهند و بدینوسیله میدانیم که افغانستان خواستگاه موسیقی اصیل و با ریشه های هنری است.

بقیه در صفحه (۴۳)



د پښتونخوا په ادب کې

علم نور دی او نور د لیدلو وسیله، ده پس رانده دي هغه کسان چې علم نه لري ځکه چې سترګې به لري خو هغه څراغ نه لري چې د ځمکې په غیر کې پراته جواهر پری وگوري، هغه څراغ نه لري د کوم د لارې چې ځان د مریخ تر ستوری ورسوي او هلته د بشري او انساني ژوند د کولو امکانات ولټوي او هغه څراغ نه لري چې ځان او ټولني ته پرې د ژوند تیاره کونجونه رڼا کړي نو بیا ولي خنډ هغه هم د علم په لاس ته راوړنه کې! د وخت په هره شیبه کې ستا د ژوند د پرمختګ راز پروت دی، هغه څه چې تاته ددې راز تارونه په گوتو درکولی شي پوهه او علمیت دی نو کوښښ وکړئ چې د ژوند له هرې شیبې څخه د علم او پوهې د لاس ته راوړني له پاره گټه پورته



کړئ ځکه چې ستاسو او ددې ټولني ریښتیني پرمختګ، شیرازي، بسيا کیدل او ان پایښت د علم او پوهې د زرین لمر په زرينو وړانگو کې پروت دی.

دغه رنگ ته دلوی پښتونخوا په شاعرانو کې دمصري خان خاطر، استاذ عبدالرحمان باگرام، استاد سعیدر هبر چاربيتي هم ډیرې مشهورې دی چې داوولس دزخمی زړونو دپاره دمرهم کار ورکوی استاد سعید رهبر کله نه کله دغزل اونظم سره سره په چاربيته کښې هم طبع ازمانی کوی په ماحول کښې دې ځایه جدیدیت اودخپلو دیني اویښتني اقدارو نه چې کله څوک په روگردانی کولو وگوری نور رهبر صیب پری د طنز غشی دچاربيتي دبورجل نه داسې رسار سا او وروی چې دمعاشرې دنیکو غیرتې اوپه پښتونولۍ دمښنو خلکو زړونه وگټی دچاربيتي سر دادے

داځني پنځي سري بمبري شولي
دځاوندانو څه اختييار نشته
په ځاوندانو زور اوري شولي
ځکه عزت نى دمورپلار نشته
سپينه برقعۀ لاره بدله شوله

دفيشني برقعۀو دسورتورزياتيږي
وخت راغے بل زمانه بله شوه
په هريوگور کښي دا ناسور زياتيږي
نن دهرچا باچاهي خپله شوله
په ټول وطن کښي دا فتور زياتيږي
پاسيږي هرچاته يري شولي
دنارينه وڅه وقار نشته

معلومه شوه چې دچاربيتي په پښتو ادب کې لوي دلمر په شان مقام دے ولس په داسې شاعرانو او ادیبانو باندې فخر کوی چې دپښتو ژبې مینان او عاشقان دی دچاربيتي شاعرانو ته سلام کوم.



مصطفی رحیمی

سوزان

طرفدار آهنگ های اصیل افغانی است

شکیب سوزان از آواز خوانان جوان و با استعداد کشور مابوده که در پوهنخی هنرهای زیبا پوهنتون کابل تحصیلات عالی خویش را به پایان رسانیده است. اکنون مصروف فعالیت های هنری است.

سوزان به تعداد ۱۲ پارچه آهنگ ثبت شده دارد که از جمله ۵ آهنگ آن با کلیپ های زیبا از طریق تلویزیون ها به نمایش گذاشته شده است.

ویژه گی خاص که احمد شکیب سوزان را از هنرمندان دیگر مجزا ساخته این است که در ساختار آهنگ هایش از اشعار با مفهوم و زیبای شاعران ورزیده کشور استفاده کرده کمپوز و آهنگ که سروده پیام و محتوای خاص دارد.

احمد شکیب سوزان ۲۵ سال پیش در خانواده هنر دوست دیده به جهان گشود و از سن شش سالگی به فعالیت های هنری آغاز کرده وی دلیل علاقمندیش را در عرصه هنرچنین بیان می کند:

در خانواده، هنرمند پرورش یافتم و فضای هنری، مهربانی خانواده در روح و روانم تاثیر عمیق گذاشته است. پدر و برادرانم نیز اهل موسیقی و هنر هستند. قاعده و قواعد موسیقی را نیز از پدراش شمس الدین سوزان فرا گرفته او نیز آوازخوان است و همین باعث شد تا شکیب سوزان پس از به پایان رسانیدن درس های مکتب پوهنخی هنرهای زیبای پوهنتون کابل را انتخاب کند و در رشته مورد علاقه اش یعنی موسیقی تحصیل کند.

بر غلاوه که آوازمی خواند شعر هم می سراید اولین آهنگ شکیب سوزان (چک چک باران است یار از من گریزان است) ۹ سال قبل از طریق رادیو تلویزیون ملی نشر شد. که در شهرت و شناسایی بیشتری نقش عمده داشت آهنگ (زنده گیم به تنهایی گذشت و می گذرد) شعر این آهنگ از پدراش شمس الدین سوزان است.

احمد شکیب آهنگ های پشتو نیز سروده است که با عبث شهرت و محبوبیت او گردیده. شکیب سوزان طرفدار آهنگ های اصیل افغانی است و خواست اش چنین می باشد که هنر افغانی را به شکل اصلی اش معرفی و پیشکش نماید. جهت ثبت و کلیپ آهنگ هایش به خارج از کشور سفر نمی کند بلکه استدیویی شخصی دارد شکیب سوزان موسیقی را به طور مسلکی از استادان با تجربه عرصه موسیقی آموخته است.



داستان های کوتاه

تهیه شراب



می گویند: روزی مولانا، شمس تبریزی را به خانه اش دعوت کرد. شمس به خانه جلال الدین رومی رفت و پس از این که وسایل پذیرایی میزبانش را مشاهده کرد از او پرسید: آیا برای من شراب فراهم نموده ای؟ مولانا حیرت زده پرسید: مگر تو شراب خوار هستی؟! شمس پاسخ داد: بلی.

مولانا: ولی من از این موضوع اطلاع نداشتم!!

- حال که فهمیدی برای من شراب مهیا کن.

- در این موقع شب، شراب از کجا پیدا کنم؟!

- به یکی از خدمتکارانت بگو برود و تهیه کند.

- با این کار آبرو و حیثیتم بین خدایم از بین خواهد رفت.

- پس خودت برو و شراب خریداری کن.

- در این شهر همه مرا می شناسند، چگونه به محله نصاری نشین بروم و

شراب بخرم؟!

- اگر به من ارادت داری باید وسیله راحتی مرا هم فراهم کنی چون من شب ها بدون شراب نه می توانم غذا بخورم، نه صحبت کنم و نه بخوابم.

مولوی به دلیل ارادتی که به شمس دارد خرقة ای به دوش می اندازد، شیشه ای بزرگ زیر آن پنهان می کند و به سمت محله نصاری نشین راه می افتد.

تا قبل از ورود او به محله مذکور کسی نسبت به مولوی کنجکاو نمی کرد اما همین که وارد آنجا شد مردم حیرت کردند و به تعقیب وی پرداختند. آنها دیدند که مولوی داخل میکده ای شد و شیشه ای شراب خریداری کرد و پس از پنهان نمودن آن از میکده خارج شد. هنوز از محله مسیحیان خارج نشده بود که گروهی از مسلمانان ساکن آنجا، در قفایش به راه افتادند و لحظه به لحظه بر تعدادشان افزوده شد تا این که مولوی به جلوی مسجدی که خود امام جماعت آن بود و مردم همه روزه در آن به او اقتدا می کردند رسید.

در این حال یکی از رقیبان مولوی که در جمعیت حضور داشت فریاد زد: "ای مردم! شیخ جلال الدین که هر روز هنگام نماز به او اقتدا می کنید به محله نصاری نشین رفته و شراب خریداری نموده است."

آن مرد این را گفت و خرقة را از دوش مولوی کشید. چشم مردم به شیشه افتاد. مرد ادامه داد: "این منافق که ادعای زهد می کند و به او اقتدا می کنید، اکنون شراب خریداری نموده و با خود به خانه می برد!"

سپس بر صورت جلال الدین رومی آب دهان انداخت و طوری بر سرش زد که دستار از سرش باز شد و بر گردنش افتاد. زمانی که مردم این صحنه را دیدند و به ویژه زمانی که مولوی را در حال انفعال و سکوت مشاهده نمودند یقین پیدا کردند که مولوی یک عمر آنها را با لباس زهد و تقوای دروغین فریب داده و در نتیجه خود را آماده کردند که به او حمله کنند و چه بسا به قتلش رسانند.

در این هنگام شمس از راه رسید و فریاد زد: "ای مردم بی حیا! شرم نمی کنید که به مردی متدین و فقیه تهمت شرابخواری می زنید، این شیشه که می بینید حاوی سرکه است زیرا که هر روز با غذای خود تناول می کند."

رقیب مولوی فریاد زد: "این سرکه نیست بلکه شراب است."

شمس در شیشه را باز کرد و در کف دست همه ی مردم از جمله آن رقیب قدری از محتویات شیشه ریخت و بر همگان ثابت شد که درون شیشه چیزی جز سرکه نیست.

رقیب مولوی بر سر خود کوبید و خود را به پای مولوی انداخت، دیگران هم دست های او را بوسیدند و متفرق شدند.

آنگاه مولوی از شمس پرسید: برای چه امشب مرا دچار این فاجعه نمودی و مجبورم کردی تا به آبرو و حیثیتم چوب حراج بزنم؟

شمس گفت: برای این که بدانی آنچه که به آن می نازی جز یک سراب نیست، تو فکر می کردی که احترام یک مشت عوام برای تو سرمایه ایست ابدی، در حالی که خود دیدی، با تصور یک شیشه شراب همه ی آن از بین رفت و آب دهان به صورتت انداختند و بر

فرقت کوبیدند و چه بسا تو را به قتل می رساندند. این سرمایه ی تو همین بود که امشب دیدی و در یک لحظه بر باد رفت. پس به چیزی متکی باش که با مرور زمان و تغییر اوضاع از بین نرود.

رنجش



روزی سقراط حکیم مردی را دید که خیلی ناراحت و متاثر بود.

علت ناراحتی اش را پرسید. شخص پاسخ داد:

در راه که می آمدم یکی از آشنایان را دیدم. سلام کردم.

جواب نداد و با بی اعتنایی و خودخواهی گذشت و رفت.

و من از این طرز رفتار او خیلی رنجیدم.

سقراط گفت: چرا رنجیدی؟ مرد با تعجب گفت:

خوب معلوم است که چنین رفتاری ناراحت کننده است.

سقراط پرسید: اگر در راه کسی را می دیدی که به زمین افتاده

و از درد به خود می پیچد

آیا از دست او دلخور و رنجیده می شدی؟

مرد گفت: مسلم است که هرگز دلخور نمی شدم.

آدم از بیمار بودن کسی دلخور نمی شود.

سقراط پرسید:

به جای دلخوری چه احساسی می یافتی و چه می کردی؟

مرد جواب داد: احساس دلسوزی و شفقت.

و سعی می کردم طبیب یا دارویی به او برسانم.

سقراط گفت: همه این کارها را به خاطر آن می کردی که او را بیمار می دانستی.

آیا انسان تنها جسمش بیمار می شود؟

و آیا کسی که رفتارش نادرست است، روانش بیمار نیست؟

اگر کسی فکر و روانش سالم باشد هرگز رفتار بدی از او دیده نمی شود؟

بیماری فکری و روان نامش غفلت است.

و باید به جای دلخوری و رنجش نسبت به کسی که بدی می کند و غافل است دل سوزاند و کمک کرد.

و به او طبیب روح و داروی جان رساند.

پس از دست هیچ کس دلخور مشو و کینه به دل مگیر و آرامش خود را هرگز از دست مده.

”بدان که هر وقت کسی بدی می کند در آن لحظه بیمار است.“



میخ های بر روی دیوار



نوجوانی بود که اخلاق خوبی نداشت و همه اطرافیان از این رفتار او خسته شده بودند.

روزی پدرش او را صدا کرد و گفت پسرم دلم می خواهد کاری برای من انجام

بدهی پسر گفت خوب.

پدر او را به اطاقی برد و قطی میخی به دستش داد و گفت پسرم از تو می

خواهم هر باری که عصبانی شدی میخی بر روی این دیوار بکوبی روز اول

پسر ۳۷ میخ به دیوار کوبید. طی چند هفته بعد؛ همان طور که یاد می گرفت

چگونه عصبانیتش را کنترل کند تعداد میخ های کوبیده شده به دیوار کمتر

میشد.

او فهمید که کنترل عصبانیتش آسانتر از کوبیدن میخها بر دیوار است به

پدرش گفت و پدر نیز پیشنهاد داد هر روز که می تواند عصبانیتش را کنترل

کند؛ یکی از میخها را از دیوار بیرون آورد.

روزها گذشت و پسر کم بالاخره توانست به پدرش بگوید که تمام میخها را از

دیوار بیرون آورده است.

پدر دست پسرش را گرفت و به کنار دیوار برد و گفت: پسرم تو کار خوبی انجام دادی اما به سوراخهای دیوار نگاه کن دیوار

هر گز مثل گذشته نمی شود وقتی تودر هنگام عصبانیت حرفی را میزنی؛ آن حرف ها هم چینی آثاری را در دل کسانی که

دل شان را شکستیم به جای می گذارند که متأسفانه جای بعضی از آن ها هرگز با عذر خواهی پر نمیشه.

هیچ تا حالا فکر کردیم چقدر از این میخها در دیوار دل دیگران فرو کردیم

بیایم از خدا بخواهیم که به ما انقدر مهربانی و گذشت بدهد تا هرگز در دیوار دل دیگران میخی فرو نکنیم.

بقیه ص (۴۸)

شعر او....

او در پیم؛ قصه د سوی او د اوبن،
چی حافظ عبداللطیف اڅکزي لیکلی
ده. سره له دی چی د دریمې بیلگی
انځورونه له فني اړخه پوره دي خو
د لومړیو دوو بیلگو په څېر بنکلي
نه دي.

په هر صورت راځو اوسمهالی
(معاصرې) شاعرۍ ته، دا چې په
معاصره شاعرۍ کې ولی آزادی
شاعرۍ ته میلان او پاملرنه ډیره
شوه، دلیل یې په شعر کې د لویو
انځورونو کامل ایجاد او د هغو د
عناصرو ترمنځ د کلک هنري
تړون موجودیت و، چې دا کار په
غزل، مثنوي، رباعیاتو، مخمساتو
او نورو کلاسیکو فورمونو کې (له
قصيدې پرته) ناممکن و.

آزاد شعر د تصویر جوړونې د ټولو
ظرافتونو د کارولو لپاره مناسب
قالب دی، دلته د قافيې او ردیف
نشتوالی او د قرار دادي وزني
محدودیت د نه موجودیت له امله
شاعر کولای شي ډېره پاملرنه
موضوعي انسجام ته وکړي او په
اصطلاح جدي اثر رامنځ ته کړي. د
تصویر جوړونې په اړه به لومړی
یو مثال توضیح کړو چې په آزاد
شعر کې څومره ځای لري، بیا به د
شعر لپاره د انځور هستوني اهمیت
وڅېړو او تر هغه وروسته به ځینې
خاص اصطلاحات تعریف کړو.

بیدیا

سپیره بیدیا ده پکې پل د بنیادم نشته

یو څو پیریان دي له پردیو غرو راغلي

بربنډیري، ناڅي، ناڅي

چې تباره شي بیا سینی پر خپلو میندو سروي

پر خواره خوب پریوځي

د زهرو ونه ده ولاړه

پر بیزو ادی بی سیوری کړی

بیزو د زهرو پرگي خوري هره
کړی ورځینی حمل اخلي

د ورځی دیرش، څلویښت بچیان زیږوي.

د ورځی دیرش، څلویښت خوانان شي

بیا قتلیري

خو بیزو ادی پرگي خوري

او لکيا ده هره ورځ نوي بچیان زیږوي

پیریان گډیري

د بیزو ادی په ویر او پر خوارو خاندي

چې شپه تیاره شي

بیا سینی پر خپلو میندو سروي

پر خواره خوب پریوځي

سپیره بیدیا ده پکې پل د بنیادم نشته

اسحق ننگیال

دا شعر یو دوراني اصلي انځور
لري چې د دريو تصويرونو په
پيوستيدو سره تکميليري. د شعر د
تصويرونو د متحرک خصوصيت له
مخې د انځورونو اجزا ډېر د لمس
وړ دي او حتی هر جز په خپله يو
کوچنی تصویر جوړوي دداسې فضا
ایجاد په کلاسیکو قالبونو کې
ستونزمن حتی ناممکن کار دی د
همدې لپاره د آزاد شعر قالب ورته
انتخاب شوی، شعر له ناخودآگاه
څخه راوتلی تصورات په یو عیني
زمینه کې تمثیليوي یعنی د شعر
زمینه عیني او د تصویرونو متحرک

اجزا ذهني دي، د نامتجانسو اجزاوو
راغونډول په عیني فضا کې د شاعر
(ارواښاد اسحق ننگیال) د شاعرۍ
یوه ځانگړتیا ده چې تر ډېره بریده
رواني - سمبولیک اړخ لري.

ولی په شاعرۍ کې انځور جوړونه
مهمه ده؟

پل والري عقیده لري چې: «شعر
داسې دی لکه نڅا او نثر داسې دی
لکه پر لاره تگ، پر لاره عادي تلل
د یو مقصد پر لوروي حال دا چې
نڅا په خپله مقصد دی، ځکه د کوم
مقصد لور ته په نڅا نڅا تلل به
خندوونکی کار وي».

که دی مثال ته وگورو نڅا تصویري
ارزښت دی، یعنی که تاسو د چا پر
لاره تلل د څو شیبو لپاره وگورئ نو
درته جالبه به نه وي چې لا هم دغه
مزل تعقیب کړئ بلکې ښايي پر دی
فکر وکړئ چې روان سړی چېرته
غواړي ولاړ شي؟ مگر که د نڅا
لیدلو ته ناست یاست دا مو په فکر
کې نه گرځي چې نڅا کوونکی
چېرته ځي بلکې تاسو غواړئ په
خپله له نڅا څخه خوند واخلي. په
شعر کې تصویر د نڅا کوونکي د
حرکاتو حیثیت لري، شعر نڅا
کوونکی دی او حرکات یی
تصویرونه دي.

بی تصویره شعر د ولاړ نڅا
کوونکي په شان دی.

د هنر د اروا پوهني یو اصل دا دی
چې مور له هر هغه هنري اثر څخه
خوند اخلو چې د پرمختگ بهیر یې
زموږ په ذهن کې دورانډویني
(پیشبینی) وړ نه وي، یعنی مور دی
ته منتظر یو چې څه به کیري؟ کتب
مت په نڅا کې دا راز پروت دی،
مور د نڅا له نندارې څخه ځکه
خوند اخلو چې د نڅا کوونکي
حرکات نه شو پیشبیني کولای،
څوک ویلای شي چې اوس به د

لاسونو، پینو، سر او سینی حرکتونه
خه ډول وي؟



په شعر کې تصویرونه همداسې دي،
د اسحق ننگيال په پورته شعر کې
وینو چې په سپیره بیدیا کې ناڅاپه
پیریان برېښیږي او ناڅې بیا د
زهرو ونه پیدا کیږي او بیزو بچیان
زیروي او بیا پیریان په بیزو پورې
خاندې دا هرڅه زموږ له ذهن سره
تصادم کوي، یعنی نوښت لري مور
بي د وړاندوینې ځواک نه لرو. په
شعر کې تصویرونه زموږ خوبونو
ته ورته دي، یعنی ارادي نه دي،
هیڅ څوک نه شي کولای تصمیم
ونيسي چې نن شپه داسې یا هسې
خوب وویني. مثلاً، مور پر خپلو
خوبونو واکمن نه یو، په خوب کې
کله یو ژوندی سړی مړ او یا مړ
سړی ژوندی کیدای شي، په خوب
کې یو پرهیزگاره سړی برېښد لیدلی
شو یو ځوان هلک سپین ږیری
کیدای شي او تاسو به دا هم ومنئ
چې څوک دې خپل نیکه په خوب
وویني چې سړی د آس، بدن یې د
مرغه او لاسونه یې د انسان وي. په
هماغه لحظه کې چې مور خوب
وینو فکر نه کوو چې دا تصویرونه
دې غیر حقیقي (یعنې دروغ) وي.

شاعرانه تصویرونه د شاعر لپاره
ارادي خو د لوستونکي لپاره غیر
ارادي دي. په شاعرانه تصویرونو

کې بیزو هره ورځ دیرش څلویښت
بچیان زیرولی شي او پیریان
ورپورې خندلای شي، دلته هرڅه
ممکن دي خو په دې شرط چې خپل
هنري منطق ولري.

په پورته بحث کې مو یوشمېر خاص
اصطلاحات یاد کړل لکه اصلي
تصویر، فرعي تصویر، تصویری
توکي (اجزا) او تصویری حرکت،
چې دلته به یې بیل بیل تعریف کړو:

اصلي تصویر: دا د شعر عمومي
تصویر دی چې په مجموع کې د
شعر پر ټولې موضوع حاوي وي، د
اسحق ننگيال په پورتني شعر کې د
سپیری بیدیا عمومي تصور د شعر د
اصلي انځور له مخې ترلاسه کیږي.

فرعي تصویر: دا هغه تصویرونه
دي چې د اصلي تصویر په دننه کې
د کوچنیو موضوعاتو پر تمثیل
تمرکز کوي، له هر موضوعي
بدلون سره د تصویر اجزا بدلیږي او
د یوې خاصې برخې اجزا په
مجموع کې یو فرعي تصویر
جوړوي لکه په راوړل شوي شعر
کې چې د پیریانو برخه د بیزو له
برخې سره توپیر لري او شاعر د
هرې برخې لپاره یو فرعي تصویر
ایجاد کړی دی.

تصویری اجزا (توکي): هر هغه
شي، مفکوره، حرکت او حالت چې
د تصویر په جوړولو کې ونډه لري
او وجود یې په شعر کې د لمس وړ
وي تصویری توکی دی لکه په
پورتني شعر کې سپیره بیدیا،
پیریان، تیاره، میندې، د زهرو ونه،
بیزو، بچیان او نور ټول تصویری
اجزا دي. تصویری حرکت: هر هغه
عمل، چې د تصویری توکیو له خوا
ترسره کیږي د تصویر حرکت یې
بولي. د تصویر حرکت د شعر پېښي
پر مخ بیایي او تصویر ژوند
کوي.

په پورتني شعر کې له غرونو د
پیریانو راتگ، نڅا، پر میندو سینه
سرول، ویده کیدل د بیزو بچي
زیږول، قتل، د پیریانو خندل او نور
هغه حرکتونه دي چې د شعر د
کلیماتو په مرسته زموږ په ذهن کې
د موضوع تمثیل کوي او په مرسته
یې شعري دوران بشپړیږي. په شعر
کې ساکن تصویرونه د نقاشی او
متحرک هغه د سینما د یوې صحنې
په شان گڼل کیږي، په معاصرو
شعرونو کې متحرک تصویرونه تر
ساکنو هغو ډېر پلویان لري د همدې
لپاره شعر یو ځل بیا د ژوند د پېښو
تمثیل ته مخه کړي او تمثیلي څه چې
آن قصصي شاعري دود شوی ده. دا
چې په شعر کې د فرعي او اصلي
تصویرونو تناسب څنگه وي او د
شعر حرکت څه ډول د تصویرونو
په حرکت پورې اړه لري، یو څه
تخنیکي او تشریحي بحث ته اړتیا
لري، چې لیکونکي یې د یوې بلي
مفصلي مقالې په اوږدو کې د بحث



هود لري، البته له یوشمېر نورو
شاعرانه مقولو لکه سمبول، تشبیه،
اساطیرو او تمثیلونو سره د تصویر
ارپکي هم د جلا بحث غوښتنه کوي،
ځکه خو ددغه بحث نورې برخې هم
بنايي بشپړې شي.



تلویزیون

تلویزیون در افغانستان توسط محمد داود خان رئیس جمهور وقت در سال ۱۳۵۶ تأسیس شد. البته مقدمات آن با سفر محمد موسی شفیق نخست وزیر



سابق افغانستان به جاپان فراهم شد. ساختمان تلویزیون در کنار ساختمان رادیو افغانستان بنا شد و دستگاه‌ها و آنتن‌های آن بالای کوه آسمایی کابل نصب شد. برای اداره و پیشبرد این رسانه تعدادی از دانشجویان به کشورهای ایران، بلغاریا، و جاپان اعزام شدند که تعدادی از آنها کارمندان وزارت اطلاعات و فرهنگ بودند. تلویزیون در افغانستان در حمل ۱۳۵۷ توسط محمد داود خان اولین رئیس جمهور افغانستان به طور امتحانی و بعداً به شکل اساسی آن در ماه اسد ۱۳۵۷ توسط نورمحمد تره کی رئیس شورای انقلابی و منشی عمومی حزب دموکراتیک خلق افغانستان وقت افتتاح شد. تلویزیون از جمله رسانه تصویری است که جذابیت آن نسبت به دیگر رسانه‌ها بیشتر بوده و از پر مخاطب‌ترین رسانه بشمار می‌آید و به دلیل وجود صدا و تصویر که به طور همزمان آرایه میدارد یکی از پر جاذبه‌ترین رسانه‌ها به شمار می‌رود.

سینما در افغانستان اولین محل نمایش فیلم در افغانستان:

در سال ۱۳۰۱ الی ۱۳۰۳ برای اولین بار در پغمان محلی بنام "سینما تیاتر" ایجاد شد. که با فروپاشی دولت امیر امان الله خان در این محل فقط تیاتر به

نمایش گذاشته می‌شد و سینما به فراموشی سپرده شد.

اولین فیلم افغانی:

عشق و دوستی " اولین فیلم مشترک افغان هند در لاهور هند دیروزی و لاهور پاکستان امروزی توسط شرکت فیلم سازی " شور " هندی ساخته شد هر چند فیلم نامه آن توسط یکی از افغان‌ها به نام " عبدالرشید لطیفی " نوشته شده و در نقش کرکتر های مرکزی نیز تمام از کرکتر های افغانی استفاده شده ولی مخارج و هزینه آن توسط شرکت شور هند تمویل گردید. و مصارف رفت و برگشت کرکتر های افغانی آن توسط دولت افغانستان پرداخته شد. هر چند زمان ساخت این فیلم به درازا کشید ولی با موفقیت ساخته شد. وقتی فیلم رابه افغانستان آوردند و به نمایش گذاشتند. چون فرهنگ فیلم با فرهنگ افغانی چندان مطابقت نداشت، بدین صورت با استقبال سرد مردم روبرو شد. و استقبال انچنانی از طرف مردم صورت نگرفت.

وسایل تخنیکی:

در دهه چهل فقط یک پایه کمره ۳۵ ملی متری آورده شده بود که توسط آن هم فقط از کارکردهای دولت وقت تصویر گرفته می‌شد، و مخصوص دربار بود تا به دسترس هنر مندان فیلم ساز.



دومین فیلم افغانی :

در اوایل دهه چهل شخصی بنام فیض محمد " خیرزاده " که تحصیلات سینمایی خود را در خارج از کشور به پایان رسانیده کوشش کرد تا هنر سینما را در چوکات وزارت اطلاعات و فرهنگ جایگزین کند و یک فیلم نامه هم نوشته بنام " مانند عقاب " این فیلم

نامه مستند گونه که در دو قسمت نوشته شده بود در قسمت اول در باره فرهنگ و عنعنات کشور پرداخته و در قسمت دوم آن یک طفل افغان کوشش کرده تا به جشن استقلال کشور خود را آماده سازد و بتواند این جشن را از نزدیک ببیند. این فیلم که در سال ۱۳۴۳ کار خود را به پایان رسانید در همین سال به نمایش گذاشته شد. نظر به فیلم گذشته افغانی که با دل سردی مردم روبرو شده بود این فیلم برعکس با تشویق و استقبال مردم روبرو شد. با ساخته شدن این فیلم ارتباطات سینما گران غرب با افغان فیلم بهتر شد و بلاخره آخرین فیلم در دهه چهل (۱۳۴۹) بنام " ملاقات با مردان برجسته " ساخته شد و همچنین در اوایل دهه پنجاه یک گروه از جوانان سینما گر امریکایی وارد افغانستان شد و یک فیلمی را با همکاری افغان فیلم ساخت. این فیلم که به نام " انسان شناسی " به کامره مینی توریالی شفیعی اولین فیلم افغان امریکا ساخته شد در این فیلم از کرکتر های افغانی نیز استفاده شد. همچنین در دهه پنجاه یک فیلم از سینما هند در افغانستان ساخته شد که در آن فیلم از فرهنگ بزرگشی افغان‌ها نمایش داده شده و قادر فرخ توانسته در این فیلم نقش نمای دور کرکتر مرکزی فیلم را بازی کند. سینما پس از مطبوعات، رادیو، تلویزیون یکی از وسایل ارتباط جمعی و رسانه همگانی گفته میشود. سینما یکی از پیشرفته ترین رسانه های همگانی است که انواع هنر ها را با پیچیده ترین تاکتیک ها جمع آوری و پخش می کند. سینماهای افغانستان بیشتر در شهر کابل قرار داشته و از مراکز مهم تقریبی مردم به شمار می رفته اند. تولیدات سینمایی این کشور کم بوده و از تعداد اندکی فیلم سینمایی تجاوز نمی کند که آن هم در جریان جنگها دچار رکود شده است. در افغانستان بیشترین علاقه مندی عمومی به فیلمهای سینمایی تولید هند و ایران را می توان نام می برد. بعضی از سالون های سینمایی کابل در جریان جنگ تخریب شده و یا از کار افتاده اند، ولی در سینماهای سالم، نمایش فیلم با استقبال قابل توجهی جریان دارد.



موسیقی

صفدر توکلی هم در نواختن دنبوره و همچنان در سرایش آهنگ های هزاره گی استعداد درخور ارزش داشته و سالیان متمادی از طریق رادیو و تلویزیون آهنگ های زیبای هزارگی را به سرایش گرفته است. بعضاً توکلی چهاربیتی های دری را در قالب هزارگی سروده و بسیار مقبول و شیوه خاص دارد. صفدر توکلی از جمله هنرمندان مستعد و سابقه دار ملیت هزاره است و سالیان زیادی با رادیو افغانستان همکاری داشته است و آهنگ های ناب هزاره گی را به استماع شنونده گان رادیو تلویزیون ملی افغانستان رسانیده است او به کشور های مختلف دعوت شده و توانسته است فرهنگ اصیل موسیقی افغانی را به خارج از مرز های افغانستان انتشار دهد.



همچنان محمد امان هم یکی از آواز خوانان خوب ملیت هزاره در کشور ما می باشد که یک زمان در انسامبل مرکزی وزارت امور داخله ایفای وظیفه مینمود وی توانست بدینوسیله هنر اصیل خود را

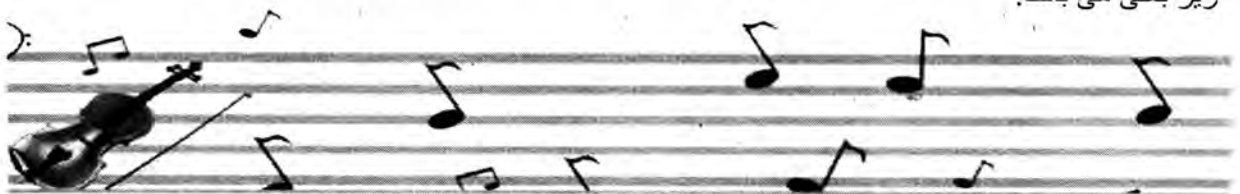
در موسیقی هزاره گی به مردم تبارز دهد و در قسمت نشروپخش موسیقی اصیل افغانی سهم ارزشمند خود را اداء نماید همچنان هنرمندانی همچون اسماعیل و دیگران توانسته اند آهنگ های خوبی بسرایند آواز خوانان ملیت های مختلف افغانستان هم علاقمند به سرودن آهنگ های هزاره گی هستند.



فرهاد دریا نماد وحدت ملی مردم افغانستان، هنرمند چهره دست و با قریحه که به زبان هزاره گی آهنگ سروده است. آهنگ همگی یک براریم که اصلاً از آقای توکلی است مگر فرهاد دریا آنرا بسیار زیبا و گیرا دوباره بازخوانی کرده است یا آهنگ قدمه قندهاری- صوت قناری که از یک فرهنگ غنامند پر بار حکایت می نماید اینک باز

سرایی فرهاد دریا آهنگ را زیباتر کرده است البته در آهنگ صفدر توکلی که خود صفدر توکلی چندین سال قبل آنرا در تلویزیون ملی اجرا کرده بود و آهنگ قدمه قندهاری و مومه جان و غیره را به شکل طبیعی آن می سراید و کار های فرهاد دریا در عرصه موسیقی اصیل هزاره گی درخور ستایش و تقدیر است.

به امید آن روزیکه ما شاهد رشد موسیقی اصیل و پر بار کشور خود باشیم و از داشته های خود استفاده مثمر ثمر کنیم و ما بتوانیم داشته های فرهنگی خود را غنامندی بیشتر بخشیم و از بیگانه ها چیزی وام نگیریم و به داشته های گرانقدر خود ارزش قایل شده و آن ها را رشد دهیم تا مردم دنیا بدانند که افغانستان دارای افتخارات هنری است آلات موسیقی هزاره گی بسیار مختصر و کم است که عبارت از دنبوره، غیچک و زیر بغلی می باشد.



پلان نشراتی تلویزیون ملی افغانستان

یکشنبه	دوشنبه	شنبه	وقت
پروگرام دینی	پروگرام دینی	پروگرام دینی	۶/۰۰
اخبار	اخبار	اخبار	۷/۰۰
سلام صبح بخیر	سلام صبح بخیر	سلام صبح بخیر	۷/۱۰
خبرونه	خبرونه	خبرونه	۸/۰۰
ادامه سلام صبح بخیر	ادامه سلام صبح بخیر	ادامه سلام صبح بخیر	۸/۱۰
اخبار	اخبار	اخبار	۹/۰۰
اردوی ملی	آینده سازان	ورزش هفته	۹/۱۰
میله - جهان حیوانات	زراعت - پولیس	هر جا هر رنگ	۹/۳۰
خبرونه	خبرونه	خبرونه	۱۰/۰۰
مردم و مسوولان - سریال	مباحثه	بحث هفته	۱۰/۱۰
دستورد	جهان ما	ادامه بحث هفته	۱۰/۴۰
پشه نی و بلوچی	پشه نی و بلوچی	پشه نی و بلوچی	۱۱/۰۰
گزارش	گزارش	گزارش	۱۱/۴۰
خبرونه	خبرونه	خبرونه	۱۲/۰۰
جستجوی حقایق	کورنی ژوند	تندرستی	۱۲/۱۰
والعصر	پرسشهای دینی	درهگذر نور	۱۲/۳۰
نورستانی	نورستانی	نورستانی	۱/۰۰
خواره او ترخه - مرچ سرخ	مجله تلویزیونی - مشعلداران	رنگین کمان	۱/۲۰
خبرونه	خبرونه	خبرونه	۲/۰۰
مردم و موسیقی	هوا نوا	ساعتی با شما - کنسرت	۲/۱۰
ترکمنی و ازبکی	ترکمنی و ازبکی	ترکمنی و ازبکی	۳/۰۰
کارتون	کارتون	کارتون	۳/۴۰
اخبار	اخبار	اخبار	۴/۰۰
کلکین	کونک	آینده سازان	۴/۱۰
جوانان	شهر ما خانه ما	آه واه	۴/۳۰
خبرونه	خبرونه	خبرونه	۵/۰۰
پرسشهای دینی	قضا - بسوی نور	والعصر	۵/۱۰
ادامه پرسشهای دینی	د دروازه ترشا	دستورد	۵/۳۰
صدای آشنا	صدای آشنا	صدای آشنا	۶/۰۰
نیمه دیگر	سریال عشق پیری	سریال	۷/۰۰
گزارش	گزارش	گزارش	۷/۳۰
اخبار	اخبار	اخبار	۸/۰۰
آینده شهر	انعکاس	کاروان حله - مردو مسوولان	۹/۰۰
فرهنگ مردم - کتاب	هفت شهر هنر - گذرگاه تبسم	مجله - مشعلداران	۹/۳۰
اخبار انگلیسی	اخبار انگلیسی	اخبار انگلیسی	۱۰/۰۰
مباحثه	نقد و نظر	سریال	۱۰/۱۰
سریال عشق پیری	ورزش خارجی	لاپلا آرشیف	۱۱/۰۰
هوا و نوا	زمزمه ها	زمزمه ها	۱۱/۴۰
اخبار	اخبار	اخبار	۱۲/۰۰
سلام صبح بخیر	سلام صبح بخیر	سلام صبح بخیر	۱/۰۰
اخبار انگلیسی	اخبار انگلیسی	اخبار انگلیسی	۲/۰۰
مباحثه	آینده شهر	ساعتی با شما	۲/۱۰
کاروان حله - مردم و مسوولین	فرهنگ مردم - کتاب	ادامه ساعتی با شما	۲/۳۰
سریال	نیمه دیگر	پرسشهای طبی	۳/۰۰
مجله - مشعلداران هنر	مردم و موسیقی	کنسرت	۳/۳۰
گزارش	ادامه مردم و موسیقی	ادامه کنسرت	۴/۰۰
والعصر	پرسشهای دینی	رهگذر نور	۴/۳۰
ورزش هفته	جوانان	کورنی ژوند	۵/۰۰
آینده سازان	کلکین	اردوی ملی	۵/۳۰

پلان نشراتی تلویزیون ملی افغانستان

جمعه	پنجشنبه	چهار شنبه	سه شنبه
پروگرام دینی	پروگرام دینی	پروگرام دینی	پروگرام دینی
اخبار	اخبار	اخبار	اخبار
سلام صبح بخیر	سلام صبح بخیر	سلام صبح بخیر	سلام صبح بخیر
خبرونه	خبرونه	خبرونه	خبرونه
ادامه سلام صبح بخیر	ادامه سلام صبح بخیر	ادامه سلام صبح بخیر	ادامه سلام صبح بخیر
اخبار	اخبار	اخبار	اخبار
فلم هنري براي اطفال و نوجوانان	نونهالان	کودک	کلکین
ادامه فلم اطفال	بسوی خوشبختی	شهرما خانه ما	جوانان
خبرونه	خبرونه	خبرونه	خبرونه
لابلاي آرشیف	اقتصاد	تودی شیبی	آئینه شهر
ادامه لابلاي آرشیف	نگاه - سینما	فرهنگ مردم - کتاب	کاروان حله
پشه نی و بلوچی	پشه نی و بلوچی	پشه نی و بلوچی	پشه نی و بلوچی
گزارش	گزارش	گزارش	گزارش
خبرونه	خبرونه	خبرونه	خبرونه
سریال - شما و تلویزیون	نیمه دیگر	انعکاس	سریال
سیرت النبی (ص)	درسهای از قرآن	پریشهای دینی	قضا - بسوی نور
نورستانی	نورستانی	نورستانی	نورستانی
پریشهای دینی	چشم انداز - نیش نوش	هفت شهر هنر - گذرگاه تبسم	نقد و نظر
خبرونه	خبرونه	خبرونه	خبرونه
هوا نوا	مردم وموسیقی	موسیقی ذوقی	پریشهای طبی-موسیقی محلی
بلوچی و ازبیکي	ترکمني و ازبیکي	ترکمني و ازبیکي	ترکمني و ازبیکي
کارتون	کارتون	کارتون	کارتون
اخبار	اخبار	اخبار	اخبار
میله - جهان حیوانات	هر جا هر رنگ	جهان ما	نونهالان
کورنی ژوند	اه وا	زراعت - پولیس	جهان حیوانات - راپور علمی
خبرونه	خبرونه	خبرونه	خبرونه
در رهگذر نور	سیرت النبی (ص)	درسهای از قرآن	پریشهای دینی
اروی ملی	ورزش هفته	ویکت - مستطیل سبز	ادامه پریشهای دینی
کاروان صدای آشنا-پریشهای طبی	صدای آشنا	صدای آشنا	صدای آشنا
سریال (رو برو با مردم)	تندرستی	سریال - شما و تلویزیون	بسوی خوشبختی
گزارش	گزارش	گزارش	گزارش
اخبار	اخبار	اخبار	اخبار
ساعتی باشما	در جستجوی حقایق	نگاه - سینما	اقتصاد
ادامه ساعتی باشما	خواره او ترخه- مرچ سرخ	رنگین کمان	چشم انداز - نیش و نوش
اخبار انگلیسی	اخبار انگلیسی	اخبار انگلیسی	اخبار انگلیسی
بحث هفته (در ختم هر ماه برنامه)	فلم هنری	صور خیال	تودی شیبی
usid	ادامه فلم هنری	بزم غزل	سریال خارجی
کنسرت	ادامه فلم هنری	ادامه بزم غزل	مردم وموسیقی
ادامه کنسرت	اخبار	اخبار	اخبار
اخبار	سلام صبح بخیر	سلام صبح بخیر	سلام صبح بخیر
سلام صبح بخیر	اخبار انگلیسی	اخبار انگلیسی	اخبار انگلیسی
اخبار انگلیسی	سریال - شما تلویزیون	اقتصاد	انعکاس
بحث هفته	رنگین کمان -	چشم انداز- نیش نوش	هفت شهر هنر - گذرگاه تبسم
مرچ سرخ - خواره او ترخه	سینما - نگاه	نقد و نظر	سریال
تندرستی	موسیقی ذوقی	بسوی خوشبختی	شهرما خانه ما
مردم وموسیقی	ادامه موسیقی ذوقی	گزارش	تودی شیبی
ادامه مردم وموسیقی	سیرت النبی (ص)	پریشهای دینی	قضا - بسوی نور
درسهای از قرآن	پولیس - زراعت	ادامه پریشهای دینی	دستورد
قوالی	مستطیل سبز - ویکت	نونهالان	کودک

پلان نشراتی

رادیو افغانستان

شنبه	دوشنبه	یکشنبه	شنبه
۴ر۵۸ ارم رادیوسرود ملي و معرفي نشرات راديو	۴ر۵۸ ارم رادیوسرود ملي و معرفي نشرات راديو	۴ر۵۸ ارم رادیوسرود ملي و معرفي نشرات راديو	۴ر۵۸ ارم رادیوسرود ملي و معرفي نشرات راديو
۵ر۰۲ تلاوت و ترجمه كلام الله مجيد	۵ر۰۲ تلاوت و ترجمه كلام الله مجيد	۵ر۰۲ تلاوت و ترجمه كلام الله مجيد	۵ر۰۲ تلاوت و ترجمه كلام الله مجيد
۵ر۰۴ درسهاي از حديث شريف	۵ر۰۴ سورت النبی (ص) خپرونه	۵ر۰۴ سورت النبی (ص) خپرونه	۵ر۰۴ سورت النبی (ص) خپرونه
۶ر۰۰ پېام صېگاهاڼ	۶ر۰۰ نبوی ملگری	۶ر۰۰ نبوی ملگری	۶ر۰۰ نبوی ملگری
۶ر۰۳ صبح بخیر افغانستان	۶ر۰۰ پېام صېگاهاڼ	۶ر۰۰ پېام صېگاهاڼ	۶ر۰۰ پېام صېگاهاڼ
۷ر۰۳ کورني ژوند	۷ر۰۳ کورني ژوند	۷ر۰۳ کورني ژوند	۷ر۰۳ کورني ژوند
۸ر۰۰ اخبار پښتو	۸ر۰۰ اخبار پښتو	۸ر۰۰ اخبار پښتو	۸ر۰۰ اخبار پښتو
۸ر۰۳ از خواب تا واقعیت	۸ر۰۳ از خواب تا واقعیت	۸ر۰۳ از خواب تا واقعیت	۸ر۰۳ از خواب تا واقعیت
۹ر۰۰ زنگ مکتب	۸ر۰۳ سيمای شاعر در آينه شعر	۸ر۰۳ تفسير شريف	۸ر۰۳ نهای جوانان
۹ر۰۰ اخبار دري	۹ر۰۰ اخبار دري	۹ر۰۰ اخبار دري	۹ر۰۰ اخبار دري
۹ر۰۳ مسوولين و راديو افغانستان	۹ر۰۳ اسلام و نظام حقوقه	۹ر۰۵ دمشرانو جرگي غږ	۹ر۰۵ افغانستان امروز
۹ر۰۳ از آرشيف نشراتی راديو	۱۰ر۰۰ اخبار پښتو	۹ر۰۳ بلك طرز دو هنر مند	۹ر۰۳ نیش و نوش
۱۰ر۰۰ اخبار پښتو	۱۰ر۰۰ نشست هفته	۱۰ر۰۰ اخبار پښتو	۱۰ر۰۰ اخبار پښتو
۱۰ر۰۳ در آينه هنر	۱۱ر۰۰ اخبار دري	۱۰ر۰۳ راديو صدای مردم	۱۰ر۰۳ راديو صدای مردم
۱۱ر۰۰ اخبار دري	۱۱ر۰۳ آهنگهاي فرمايشي	۱۱ر۰۰ اخبار دري	۱۱ر۰۰ اخبار دري
۱۱ر۰۳ حرف خوش آهنگ خویش	۱۲ر۰۰ اخبار پښتو	۱۱ر۰۰ اخبار دري	۱۱ر۰۳ تحفه از آرشيف
۱۲ر۰۰ اخبار پښتو	۱۲ر۰۳ آموزش قرآنکريم	۱۱ر۰۳ کسرت مر مندان داخلي و خارجي	۱۲ر۰۰ اخبار پښتو
۱۲ر۰۳ مروري به روزنه تنها و نوح سهار	۱۲ر۰۳ آذان نماز پېښين و انوار الهي	۱۲ر۰۰ اخبار پښتو	۱۲ر۰۳ مروري به روزنه تنها و نوح سهار
۱۲ر۰۳ آذان نماز پېښين و انوار الهي	۱ر۰۰ اخبار دري	۱۲ر۰۳ مروري به روزنامه ها نرخواي سهار	۱۲ر۰۳ آذان نماز پېښين و انوار الهي
۱ر۰۰ اخبار دري	۱ر۰۳ موسيقي اماتور	۱۲ر۰۳ آذان نماز پېښين و انوار الهي	۱ر۰۰ اخبار دري
۱ر۰۳ موسيقي غزل	۱ر۰۳ برنامه هاي صدای هموطن	۱ر۰۰ اخبار دري	۱ر۰۳ موسيقي غزل
۱ر۰۳ برنامه هاي صدای هموطن	۳ر۰۰ اخبار پښتو	۱ر۰۳ موسيقي	۱ر۰۳ برنامه هاي صدای هموطن
۳ر۰۰ اخبار پښتو	۳ر۰۳ اعلاعات	۱ر۰۳ برنامه هاي صدای هموطن	۳ر۰۰ اخبار پښتو
۳ر۰۳ اعلاعات	۳ر۰۳ دانش پوزرگيست	۳ر۰۰ اخبار پښتو	۳ر۰۳ اعلاعات
۳ر۰۳ دانش پوزرگيست	۵ر۰۰ اخبار دري	۳ر۰۳ اعلاعات	۳ر۰۳ سېني خبري
۵ر۰۰ اخبار دري	۵ر۰۳ نونهي اطفال	۳ر۰۳ نوي شي چي پوي شي	۵ر۰۰ اخبار دري
۵ر۰۳ جوانه ها	۵ر۰۳ اردوي ملي	۵ر۰۰ اخبار دري	۵ر۰۳ زراعت و مالداري
۵ر۰۳ زراعت و مالداري	۶ر۰۰ ماڼام مويه خير افغانستان	۵ر۰۳ نشست هفته	۵ر۰۳ یاد نامه مردان خدا
۶ر۰۰ ماڼام مويه خير افغانستان	۷ر۰۰ اخبار پښتو و تبصره	۶ر۰۰ ماڼام مويه خير افغانستان	۵ر۰۳ سره مويشت
۷ر۰۰ اخبار پښتو و تبصره	۷ر۰۳ گزارشها و گلنگو ها	۷ر۰۰ اخبار پښتو و تبصره	۶ر۰۰ ماڼام مويه خير افغانستان
۷ر۰۳ آهنگهاي محلي	۸ر۰۰ اخبار دري و تبصره	۷ر۰۳ ما و محيط زیست ما	۷ر۰۰ اخبار پښتو و تبصره
۸ر۰۰ اخبار دري و تبصره	۸ر۰۳ د دروازو لړشا	۸ر۰۰ اخبار دري و تبصره	۷ر۰۳ زير آسمان کږود
۸ر۰۳ ماشنوتده گان	۹ر۰۰ بزنيان	۸ر۰۳ ما و جهان ما	۸ر۰۰ اخبار دري و تبصره
۹ر۰۰ ميراثهاي گرانبها	۹ر۰۳ داستانهاي دنيا له دار	۸ر۰۳ ما و فرهنگ ما - بشاهريجهان (متغوب)	۸ر۰۳ ما و جهان ما
۹ر۰۳ آهنگهاي انتخابي	۱۰ر۰۰ اخبار پښتو	۹ر۰۰ ما و صحت ما	۹ر۰۰ پسانداران صلح و امنيت
۱۰ر۰۰ اخبار پښتو	۱۰ر۰۳ استاره هاي از کوهستان موسيقي	۹ر۰۳ داستانهاي دنيا له دار	۹ر۰۳ داستانهاي دنيا له دار
۱۰ر۰۳ زمزمه هاي شهننگام	۱۱ر۰۰ سيمای شاعر در آينه شعر	۱۰ر۰۰ اخبار پښتو	۱۰ر۰۰ اخبار پښتو
۱۱ر۰۰ جلوه گاه نوي	۱۱ر۰۵ دعائيه	۱۰ر۰۳ گنجينه سخن	۱۰ر۰۳ موسيقي کلاسيک
۱۱ر۰۵ دعائيه	۱۲ر۰۰ سرود ملي و ختم نشرات	۱۱ر۰۰ بزم غزل	۱۱ر۰۰ بزم غزل
۱۲ر۰۰ سرود ملي و ختم نشرات		۱۱ر۰۵ دعائيه	۱۱ر۰۵ دعائيه
		۱۲ر۰۰ سرود ملي و پايان نشرات	۱۲ر۰۰ سرود ملي و ختم نشرات

پلان نشراتی

رادیو افغانستان

جمعه

۴ر۵۸	ارم رادیوسرود ملي و معرفي نشرات راديو
۵ ر ۲	تلاوت و ترجمه كلام الله مجيد
۶ر۲	سيرت النبي (ص) خبرونه
۶ر۳۰	پيام صبگاهان
۷ر۳۰	صبح بخير افغانستان
۸ر۳۰	ميرزا كم
۹ر۰۰	اخبار پشتمو
۹ ر ۱	کتابي کتاب - مشعلداران سفين (مکتاوب)
۹ر۴۰	دنبه اديبه (جمعي دلي مکتاوب)
۱۰ر۰۰	راديوني مجله
۱۱ر۰۰	اخبار دري
۱۱ر ۵	از هرچمن سمني
۱۲ر۰۰	اخبار پشتمو
۱۲ر۵	بسوي تور واذان نماز ظهر
۱۲ر۳۵	صداي منبر
۱ر۰۰	موسيقي قوالي
۱ر۳۰	برنامه هاي صداي هموطن
۲ر۰۰	اخبار پشتمو
۳ر۵	اعلانات
۴ر۳۰	سپيني خبري
۵ر۰۰	اخبار دري
۵ر۵	دري مجلس
۵ر۳۰	برنامه اطفال
۶ر۰۰	مايشام مويه خير افغانستان
۷ر۰۰	اخبار پشتمو و تبصره
۷ر۳۰	صداي معارف
۸ر۰۰	اخبار دري و تبصره
۸ر۳۰	موسيقي
۹ر۰۰	لغفغانستان و جهان
۹ر۳۰	موسيقي
۱۰ر۰۰	اخبار پشتمو
۱۰ر۵	زمره هاي شپهنگام
۱۱ر۰۰	راديوني مجله
۱۱ر۵۵	دعانيه
۱۲ر۰۰	سرود ملي و ختم نشرات

پنج شنبه

۴ر۵۸	ارم رادیوسرود ملي و معرفي نشرات راديو
۵ ر ۲	تلاوت و ترجمه كلام الله مجيد
۵ر۳۲	سيرت النبي (ص) خبرونه
۵ر۴۲	تفسير شريف
۶ر۰۰	پيام صبگاهان
۶ر۳۰	صبح بخير افغانستان
۷ر۳۰	کورني ژوند
۸ر۰۰	اخبار پشتمو
۸ ر ۵	از خواب تا واقفيت
۸ر۳۰	پيام سرپاز
۹ر۰۰	اخبار دري
۹ر۵	صفحه از تاريخ
۹ر ۳۰	گزيده هاي از نشرات راديو
۱۰ر۰۰	اخبار پشتمو
۱۰ر۵	راديو صداي مردم
۱۱ر۰۰	اخبار دري
۱۱ر۵	کاروان حله
۱۲ر۰۰	اخبار پشتمو
۱۲ر۵	پامخ به مسائل ديني
۱۲ر۳۰	اذان نماز ظهر و اوار الهي
۱ر۰۰	اخبار دري
۱ر۵	از ارسيف نشرات راديو
۱ر۳۰	برنامه هاي صداي هموطن
۲ر۰۰	اخبار پشتمو
۳ر۵	اعلانات
۴ر۳۰	دانش بزرگيست
۵ر۰۰	اخبار دري
۵ر۵	ورزش
۵ر۲۰	زن و جامعه
۵ر۳۵	اصلاحات اداري
۶ر۰۰	مايشام مويه خير افغانستان
۶ر۰۰	اخبار پشتمو و تبصره
۶ر۳۰	چم جم
۸ر۰۰	اخبار دري و تبصره
۸ر۳۰	وحدت ملي
۹ر۰۰	اضرار مواد مخدر
۹ر۳۰	راديو درام
۱۰ر۰۰	اخبار پشتمو
۱۰ر۵	زمره هاي شپهنگام
۱۱ر۰۰	موسيقي
۱۱ر۵۵	دعانيه
۱۲ر۰۰	سرود ملي و ختم نشرات

چهارشنبه

۴ر۵۸	ارم رادیوسرود ملي و معرفي نشرات راديو
۵ ر ۲	تلاوت كلام الله مجيد
۵ر۳۲	سيرت النبي (ص) خبرونه
۵ر۴۲	نبوي مقلري
۶ر۰۰	پيام صبگاهان
۶ر۳۰	صبح بخير افغانستان
۷ر۳۰	کورني ژوند
۸ر۰۰	اخبار پشتمو
۸ ر ۵	از خواب تا واقفيت
۸ر۳۰	ميراثهاي گرانبها
۹ر۰۰	اخبار دري
۹ر۵	بسوي باز سازي
۹ر ۳۰	هنرمنداودهنه يادونه
۱۰ر۰۰	اخبار پشتمو
۱۰ر۵	راديو صداي مردم
۱۱ر۰۰	اخبار دري
۱۱ر۵	ترانه ها و سخنها
۱۲ر۰۰	اخبار پشتمو
۱۲ر۵	مروري به روز ناسها و نرخ اسعار
۱۲ر۳۰	اذان نماز پيشين و اوار الهي
۱ر۰۰	اخبار دري
۱ر۵	موسيقي - رنگا رنگ
۱ر۳۰	برنامه هاي صداي هموطن
۲ر۰۰	اخبار پشتمو
۲ر۵	اعلانات
۳ر۴۰	دانش بزرگيست
۵ر۰۰	اخبار دري
۵ر۵	صحت براي همه
۵ر۳۰	پوليس خلخنگار جامعه
۶ر۰۰	مايشام مويه خير افغانستان
۶ر۲۰	اخبار پشتمو و تبصره
۶ر۳۰	در گذرگاه انديشه
۸ر۰۰	اخبار دري و تبصره
۸ر۳۰	جامعه و قانون
۹ر۰۰	صفحه از تاريخ
۹ر۳۰	در امتداد شب
۱۰ر۰۰	اخبار پشتمو
۱۰ر۵	آهنگهاي فلكلوريك
۱۱ر۰۰	از هر چمن سمني
۱۱ر۵۵	دعانيه
۱۲ر۰۰	سرود ملي و ختم نشرات



داستان های.....

حکایت آن درخت

در میان بنی اسرائیل عابدی بود. وی را گفتند: «فلان جا درختی است و قومی آن را می پرستند» عابد خشمگین شد، برخاست و تیر بر دوش نهاد تا آن درخت را برکند. ابلیس به صورت پیری ظاهر الصلاح، بر مسیر او مجسم شد، و گفت: «ای عابد، برگرد و به عبادت خود مشغول باش!» عابد گفت: «نه، بریدن درخت اولویت دارد» مشاجره بالا گرفت و درگیر شدند.



عابد بر ابلیس غالب آمد و وی را بر زمین کوفت و بر سینه اش نشست. ابلیس در این میان گفت: «دست بدار تا سخنی بگویم، تو که پیامبر نیستی و خدا بر این کار تو را مامور ننموده است، به خانه برگرد، تا هر روز دو دینار زیر بالش تو نهم؛ با یکی معاش کن و دیگری را انفاق نما و این بهتر و صوابتر از کندن آن درخت است»؛ عابد با خود گفت: «راست می گوید، یکی از آن به صدقه دهم و آن دیگر هم به معاش صرف کنم» و برگشت.

بامداد دیگر روز، دو دینار دید و بر گرفت. روز دوم دو دینار دید و برگرفت. روز سوم هیچ نبود. خشمگین شد و تیر برگرفت. باز در همان نقطه، ابلیس پیش آمد و گفت: «کجا؟» عابد گفت: «تا آن درخت برگردم»؛ گفت «دروغ است، به خدا هرگز نتوانی کند» در جنگ آمدند. ابلیس عابد را بیفکند چون گنجشکی در دست! عابد گفت: «دست بدار تا برگردم. اما بگو چرا بار اول بر تو پیروز آمدم و اینک، در چنگ تو حقیر شدم؟» ابلیس گفت: «آن وقت تو برای خدا خشمگین بودی و خدا مرا مسخر تو کرد، که هرکس کار برای خدا کند، مرا بر او غلبه نباشد؛ ولی این بار برای دنیا و دینار خشمگین شدی، پس مغلوب من گشتی»

هیچ وقت زرد نضوت نکن

پیر مردی به همراه پسر ۲۵ ساله اش در موتر نشسته بودند. در حالی که مسافران در چوکی های خود نشسته بودند، موتر شروع به حرکت کرد. به محض شروع حرکت موتر پسر ۲۵ ساله که در کنار اوریسی موتر نشسته بود پر از شور و هیجان شد. دستش را از شیشهء موتر بیرون برد و در حالی که هوا ی در حال حرکت را با لذت لمس می کرد، فریاد زد: پدر نگاه کن درخت ها حرکت می کنند. پسر مرد با لبخندی هیجان پسرش را تحسین کرد. کنار مرد جوان زوج جوانی نشسته بودند که حرف های پدر و پسر را می شنیدند و از پسر جوان که مانند یک کودک ۵ ساله رفتار می کرد، متعجب شده بودند. ناگهان جوان دوباره با هیجان فریاد زد: پدر نگاه کن، دریا، حیوانات و ابرها با موتر حرکت می کنند. زوج جوان پسر را با دلسوزی نگاه می کردند. باز آن شروع شد. چند قطره باران روی دست پسر جوان چکید و با لذت آن را لمس کرد و دوباره فریاد زد: پدر نگاه کن، باران می بارد. آب روی دست من چکید. زوج جوان دیگر طاقت نیاوردند و از پسر مرد پرسیدند: چرا شما برای تداوی پسرتان به داکتر مراجعه نمی کنید؟ پسر مرد گفت: ما اکنون از شفاخانه بر می گردیم. امروز پسرم برای اولین بار در زندگی می تواند ببیند.

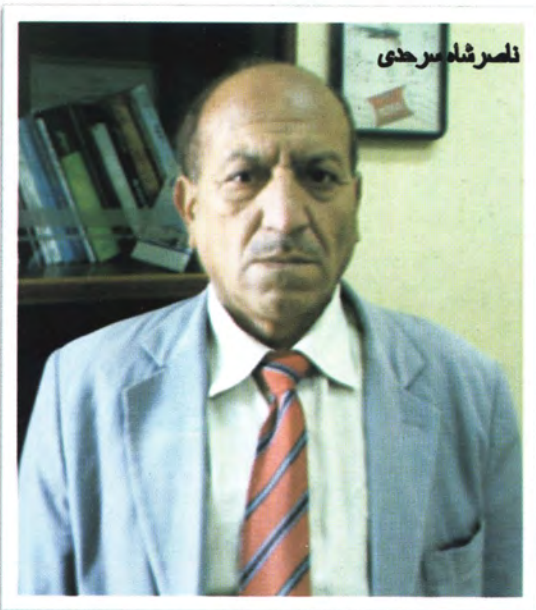
تخته سنگ



در زمان های گذشته پادشاهی تخته سنگی را در وسط راهی قرار داد و برای این که عکس العمل مردم را ببیند خودش را در جایی مخفی کرد. بعضی از تاجران و بعضی از ندیمان با بی تفاوتی از کنار آن تخته سنگ گذشتند. بسیاری هم انتقاد می کردند که این چه شهری است که نظم ندارد حاکم این شهر عجب مرد بی عرضه ای است. نزدیک غروب پیره مردیکه در پشتش بار میوه و سبزیجات بود به کنار سنگ رسید بار هایش را به زمین گذاشت و با هر زحمتی که بود تخته سنگ را از وسط جاده برداشت و آن را در کناری قرار داد. ناگهان کیسه ای را دید که در زیر تخته سنگ قرار داده شده بود. کیسه را باز کرد و در داخل آن سکه های طلا و یک یادداشت پیدا کرد. پادشاه در آن یادداشت نوشته بود: هر سد و مانعی می تواند یک شانس برای تغییر زندگی انسان باشد.



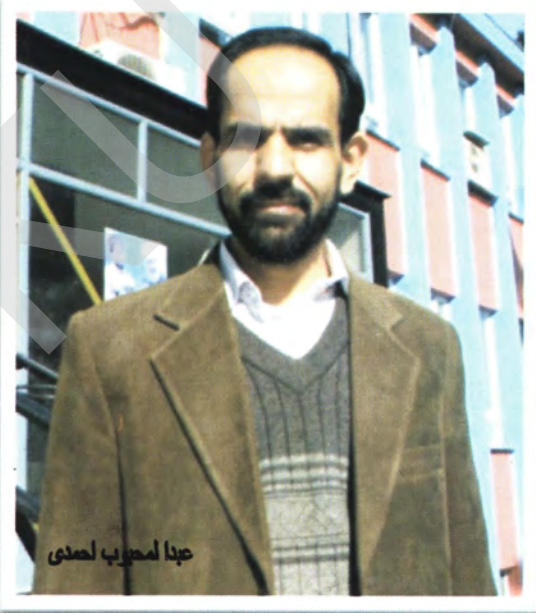
سرید آقا ضیا



ناصر شامسرحدی



یوسف عالمی



عبدالمصوب لاصدی



عبدالغفور رشیدی مدیر عمومی روزنه رادیو با کارمندان این اداره

ACKL
موسسه
HE
8700.9
الف 77
29.2



شمس راد ژورنالیست نویسنده مستعد رادیو تلویزیون ملی

چاپ: مطابع آزادی